

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

۶۸

پیکار

بها ۲۰۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۹

در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۶ صفحه یاد رفیق پیکارگو مسلم خلیج گرامی باد
- ۷ صفحه تهاجم گسترده ارتجاع به نیروهای انقلابی و مردم مبارز رشت
- ۱۳ صفحه آئینه زنده هنر برابر توفان انقلاب (۱)
- مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یاوه های
- ۹ صفحه شیخ محمد منتظری (۲)
- ۷ داستان "شبیعه تراشی" و خداشناس شدن چه گوارا در تلویزیون صفحه

۲۸ مرداد ۱۳۵۸ روز فتوای آیت الله خمینی برای یورش به کردستان

هجوم به آزادیهای دمکراتیک که پیش در آمد یورش به کردستان بود با فتوای آیت الله خمینی مبنی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کا ملترگشت .
صفحه ۵

«قانون شوراهای اسلامی» «قانون» یورش به شوراهای واقعی

صفحه ۳

ترور پیکارگران در بند بدست رژیم جمهوری اسلامی



چند روز قبل، دو تن از رفقای پیکارگر بنامهای مسعود صالحی راد (دانشجوی سال چهارم دانشکده پزشکی تبریز) و طیب نجم - الدینی که هر دو عضو تشکیلات دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بوده و از ۱۳ مرداد بجرم بخش اعلامیه در زندان رژیم جمهوری اسلامی بسر میبردند، بدست زندانبانان رژیم درسیا با نهایی اطراف تبریز بطرز وحشیانه ای به شهادت رسیدند، ترور انقلابیون و بویژه کمونیستها یکی از شیوه های شناخته شده است که رژیم های ارتجاعی در مقابل مبارزین جنبش انقلابی خلقها بکار میبرند، در ایران نیز چه در زمان شاه و چه امروز (در رژیم جمهوری اسلامی) بارها با این شیوه فرزندان دلیر خلق به شهادت رسیده اند .
بقیه در صفحه ۲

سازش موقت نگاهی به سازش شکننده دو جناح حکومت بر سر انتخاب نخست وزیر

هفته پیش ظاهرا با پیشنهاد بنی صدر و تأیید مجلس رجایی به نخست وزیری جمهوری اسلامی برگزیده شد و تلاش خود را برای تشکیل کابینه آغاز نمود، انتخاب رجایی بعنوان نخست وزیر و سرپرست مسئولیت دولت به او پس از چندین ماه کشاکش درونی و بیرونی میان جناحهای حکومت میتواند گویای از اختلافات داخلی حاکمیت را نشان دهد .
اختلافات درونی حاکمیت که بر سر بسترا و جگوری مبارزات انقلابی و خدا مبریا لیستی بوده ها شکل بقیه در صفحه ۲

زویداد ۲۸ مرداد بار دیگر دو درس اساسی مبارزه پرولتاریایی را ثابت کرد:

- ۱- در عصر امپریالیسم تنها با رهبری طبقه کارگر میتوان بر ارتجاع و امپریالیسم پیروز گشت!
- ۲- برای این پیروزی و حفظ دستاوردهای آن باید خلق را مسلح کرد!



اعتصاب کارگری در لهستان جلوه ای از مبارزه بر علیه استثمار در کشورهای روپزیونیستی

صفحه ۸

تداوم بحران موجود همچنان گسترده و عمیق تر میشود رژیم میخواهد با سیاستهای بورژوازی به بحرانی که خود ذاتی سرمایه داری است پایان بخشد!

هیات حاکمه در مدت ۱۷ ماه بعد از قیام نموده ها نتوانسته است اوضاع را تثبیت نماید، این امر ناشی از بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی است که در دو سال گذشته بیوسته ادامه داشته و در مقطعی از تداوم خویش با قیام شکوهمند نموده ها رژیم پوسیده پهلوی را به زباله دانی تاریخ سپرد، این بحران که ریشه در سیستم سرمایه داری وابسته دارد با سرنگونی رژیم دست نشانده پهلوی با بیان پذیرفتن ویا افشای ویز - ها نشی کماکان ادامه یافت، حل قطعی این بحران که خود را بشکل گرانی روز - افزون احساس ، تورم بی سابقه سولی ، بقیه در صفحه ۱۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

سازش ...

گرفته و هر روز با عداوتی آزارناک تر می شود ، هیئت حاکمه ضد خلقی ایران را بیش از هر زمان دیگر ناتوان و متزلزل ساخته است ، ناتوان به لحاظ سرکوب توده ها و متزلزل به لحاظ فقدان انجام درونی جناح های حاکمیت جملگی خودبها بین واقعیت آگاه می دارند ولیکن در عین حال قادر به پایان دادن بسدان نیستند ، جمهوری اسلامی ایران هرگز قادر به تثبیت خود نخواهد شد ، زیرا جنبش انقلابی خلق هر روز بیشتر اوج میگیرد و رژیم را تحت فشار قرار میدهد ، اکنون دورانی فرا رسیده است که لیبیراها مورد تهاجم جناح جمهوری اسلامی قرار گرفته و مهره های آنها ، اینجا و آنجا قدرت اجرا می خود را از دست میدهند ، هر کدام از آنها که از جانب "حزب" مورد تهاجم واقع میشوند ، به افتخار جناح مقابل برده خسته و در این رهگذر ناخواسته جنایات کل حکومت را بر ملا میسازد ، آنها تقصیرها را به گردن یکدیگر می اندازند تا آب تطهیر بر اعمال جناحها ریخته شود ولی این توده ها هستند که در می یابند حکومتگران نشان چه کسانی بوده اند که چه در یکی دو هفته گذشته "برگ برنده" برای کوبیدن رقیب در دست این یا آن جناح نبوده است تا آنرا بر زمین زند ، اما واقعیت حاکی از آن است که این جنگ قدرت آرا منگرفته است گرچه آنچنان نظا هر خا رچی نشا شده باشد ، بنی صدم را اجرای مسا فرتها و سخنرا نی های متعدد با تمام قوا میکوشد توده ها را بفتح خود بسیج کند ، او عوا مغربیا نه شعار "جمهوری خدا می" علم کرده است و آنرا علیه حزب بکا رمیگیرد : "آنها می که تشنه قدرت هستند میخواهند زور را تقدیس کنند و از راه مقدس کردن زور اعتراض به حاکمیت زور را غیر ممکن بگردانند و در نتیجه ما برگردیم به یک شیوه حکومتی استبدادی" (سخنرانی بنی صدر در مسجد الجواد ، اطلاعات ۱۹ مرداد)

به لحاظ حدت همین تضاد بود که کوششهای چندین ماهه بنی صدر برای تشکیل دولتی مرکب از لیبرالهای طرفدار خود به نتیجه نرسید و بالاخره ما حمل اختلافات "حزب" با بنی صدر منجر به انتخاب نخست وزیری رجائی گردید ، در واقع رجائی به بنی صدر تحمیل گردید و این دو جناح حکومت بر سرفصل انتخاب رجائی به سازش رسیدند ، رجائی همانطور که ما بقعه اش نشان داده است "لیاقت" و "عرفه" ادا ره حکومت را بویژه در شرایط چنین بحرانی به هیچ وجه ندارد ، این فرد بهره منطیع "خط امام" یا حزب جمهوری اسلامی بوده و خواهد بود ، نمونه عملکردهای این عنصر را در دوران تصدی پست وزارت آموزش و پرورش دیده ایم ، او به ندرت ترین وجهی ، مصلحتان انقلابی را سرکوب و اخراج نمود آموزش و پرورش کردستان را منحل کرد ، محیط خفقان و سرکوب را در دبیرستان ها و آموزشگاهها بوجود آورد ... از نمونه های "خدمت" این عنصر به حکومت دشمنی اش با انقلاب و توده ها است ، علاوه بر آن او در اولین سخنرانی های خود در دفاع ارتجاعی از سرما پها را چنین گفت :

"دولت آینده با پدا سرما پها را ن بزرگ بخواد که در اعمال خود تجدید نظر کنند" (اطلاعات چهارشنبه ۲۲ مرداد)

بدین ترتیب حزب جمهوری اسلامی غیر از دو قوه مقننه و قضا و قوه مجریه هم قدرت یا فتهاست ، از سوی دیگر انگیزه های که بنی صدر را به معرفی رجائی بعنوان نخست وزیر به مجلس کشا نند صرف نظرا فشار حزب جمهوری اسلامی ، مسئله موقعیت رجائی و امکان "سر عقل" مسدن او بود و در واقع بنی صدر را میدویدند نیز به همین مسئله بسته است ، رجائی در هنگام سخنرانی خود در مجلس بنی صدر را برادر خود نامید و از امکان ایجاد "تفا هم" با بنی صدر سخن به میان آورد ، بهشتی سردمدار حزب جمهوری اسلامی نیز پس از انتخاب رجائی ، از آبنسده کار او اظهار امیدواری نمود (جمهوری اسلامی ، ۲۲ مرداد) و جالب است که در همان شماره روزنامه سمرقانه ای چاپ شده بود ("دست در دست هم نهمیم - مهر") که از ایجاد تفا هم بین بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی سخن گفته بود ، و هشدار داده بود که اختلاف در "بالا" بفتح "فدا انقلاب" است .

اما همانطور که قبلا گفتیم این "وحدت ظلمی" ها و "سازشها" کوتاه مدت و گذرا است و در جناح نیز خود به این واقعیت آگاهی دارند ، بنی صدر رجائی را در هنگام معرفی به مجلس بعنوان فردی که مجلس به وی اظهار تمایل کرده است معرفی نموده است و به عنوان شخصی که خود معرفی نموده باشد ، بدین ترتیب این بیان (که مجلس نیز با لافرا آترا پذیرفت) بطسور تلویحی بیان نگرا این امر است که بنی صدر مسئولیت دولت و نخست وزیری را بعهده منگرفته است و میتواند از خود در مقابل اعمال رجائی سلب مسئولیت نماید ، آیا دولت رجائی خواهد توانست دوام بیاورد و "سازش" را به سرانجام برساند ؟! از نظرم چنین چیزی غیر محتمل بنظر میرسد ، اولاً سازش دو جناح همانطور که گفتیم بسیار شکننده است و در آینده مجدداً بروز خواهد نمود ، ثانیاً ، رجائی فردی است بی کفایت که قادر نیست لاف را در راهی نبره ای چون بازرگان او یا بهشتی ... را ادا شده باشد ، ثالثاً او از همه مهمتر چشم انداز زرد دنیا زده طبقاتی است ، همانطور که در گذشته دیده ایم و جگری مبارزات توده ها چنان نیرنگرانی بر روی تافتهای درونی هیئت حاکمه میگذارد ، با رها در دولت موقت شاهدان بوده ایم که مهره های حکومتی چگونه در حال تغییر و تحول بوده اند ، این امر بدون شک در دولت آینده نیز تکرار خواهد شد و شکنندگی کا بینه را بسیار تشدید خواهد نمود .

بقیه از صفحه ۱ پیکارگران ...

بیاد آوریم روزها بی را که سنگفرش خیابانها و کوچه های تهران و شهرستانها از خون پاک انقلابیون چنان بر کفی که بدست ما موران جلاد ساواک ترور شده بودند گلگون می گشت!

بیاد آوریم رفقای فدائی و برادران مجاهدیکه پس از سالها اسارت از گوشه سیاهانهای رژیم به تپه های اوین برده شده و در آنجا ترور شدند!

بیاد آوریم رفقا حسن آلا دیوش ، محبوبه متحذین ، لیلای زردیان و ... که در خیابانهای تهران بدست جلادان ساواک ترور شدند .

بیاد آوریم فدائی و مجاهد خلق را که با همین شیوه بدست دژ خیمان شاه خا خون پاکشان بر زمین ریختند و امروز در رژیم جمهوری اسلامی .

بیاد آوریم رفیق ناصر توفیقیان را که نا جوان - سردانه در نظرات بیکاران اسفهان از پشت سر هدف کلوله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت ، و بیاد آوریم رفقا توماج ، مختوم ، واحدی ، جرجا نسسی فرزندان دلاور خلقی ترکمن را که از زندان اوین به حاج محسن رفیق دوست ، رئیس کمیته سلطنت آباد تحویل داده شدند و جسدشان بین راه گرگان - مشهد بدست آمد!

بیاد آوریم ترورنا فرجا مدکتر حسن برفر زنده مبارز خلق بلوچ را که از توطئه های بدست با ساران طرح ریزی شده بود ، جان سالم بدر برد و آترا افشا نمود .

و بیاد آوریم دهها کمونیست و انقلابی را که در این رژیم وبا همین شیوه نها دت رسیدند .

و امروز تا زهترین نمونه ...

آری رفقای بیکاران که قلبشان به عشق رهایی زحمتکشان می طپد "بحرم" بخش اعلامیه توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و پس از چند هفته سارت به بیابانهای اطراف تبریز برده شده و بیژر بسیار وحشیانه ای ترور میشوند .

هموطنان مبارزان!

این عمل فاشیستی زمانی صورت میگیرد که فنان ارتجاع بر نیروهای انقلابی ، از جمله سا زمان مادر سرا بران شدت گرفته است .

رفقای ما را در شمال ، تبریز و بویژه جنوب دستگیر و به بدترین وجهی مورد شکنجه و آزار قرار میدهند ، بقیه در صفحه ۳

رفقا!

- با تلاش هر چه بیشتر پیکار
- را پخش کنید .
- با هر امکانی که دارید تمام
- یا برخی مقالات و مطالب
- پیکار را تکثیر و پخش
- نمایید .



رجائی ، عامل حزب جمهوری اسلامی برادر لیبرالهاست

جنبش کارگری



مبارزه کارگران موقت شرکت نفتی ریپینکو

در هفته اول مرداد ماه کارگران موقت شرکت ریپینکو (۱) که بیش از ۲۰ نفر هستند و مورد تفضیلات شدیدی نسبت به سایر کارگران قرار دارند، پس از بحث و گفتگو با یکدیگر خواستهای خود را تنظیم کرده و برای هیئت مدیره شرکت میفرستند. کارگران در این نامه متذکر میشوند که اگر تا ۱۵ روز دیگر کارفرما خواستهای آنها را برآورده نکند، دست به اقدام اعتراضی شدیدتری خواهند زد. برخی از خواستهای آنها عبارتست از:

- ۱ - در برابر هر ۴ روز کار، یک هفته مرخصی، (بعلاست شرایط سخت و طاقت فرمای محیط کار)
- ۲ - خیرخواه روبرا (در این شرکت جیره خوا روبرا تنها به کارگران رسمی تعلق میگیرد)
- ۳ - غذا و مسکن
- ۴ - عائله مندی (حق اولاد)، (در حال حاضر اولاد تنها به کارگران رسمی تعلق میگیرد)
- ۵ -

(۱) - شرکت نفتی ریپینکو در جزیره لاوان قرار دارد و در جهت استخراج نفت از جاهای دوری نفتی فعالیت میکند.

خراج کارگران مبارز کارخانه کاشی اصفهان

چندی پیش انجمن اسلامی کارخانه کاشی اصفهان که به تازگی تشکیل شده است، با ۳۳ نفر از کارگران مبارزان کارخانه را در اختیار داشته و با اصطلاح انقلاب نجف آباد را میهد تا شامل "پا کاشی" شوند. دادگاه نیز بتدریج این کارگران را احضار کرده تا بحکم بکشند!

جای توجیه اینکه عناصرتشکیل دهنده انجمن اسلامی این کارخانه همان کسانی هستند که چند ماه پیش کارگران را به علت عملکردهای ضد کارگری آنها در اعتصاب چند ساله خودخواهانه رتصفیه آنها نبوده که ضمن آن فرماندار نجف آباد دو سپاهیان را به کارگران قول میدهد که عناصرتشکیل را آزاد کنند. اما ۲ روز بعد تحت حمایت سپاهیان کارخانه با زگردانده میشوند و هم اکنون با تشکیلات انجمن اسلامی علیه کارگران مبارز توطئه میکنند و در این زمینه از حمایت کامل سپاهیان و دادگاههای انقلاب برخوردارند!

بقیه از صفحه ۲

بیکارگران...

رفقای قهرمان ما احمد مؤذن و مهدی علوی شوشتری در جنوب به دلایل بسیار واهی (پرتاب سنگ) به جوخه های اعدا مسپرده میشوند، و...

این اعمال فاشیستی رژیم ضد خلقی حاکم گذشته از آنکه دشمنی عمیق او را با انقلابیون و بویژه کمونیستها نشان میدهد. ضعف و استیصال وی را در مقابل سپاه او جگری روز افزون جنبش شده ها به نمایش میکشاند. ماجزئیات این جنایت هولناک و چهره سنگ - آلود جنتکاران شناخته شده آنرا در آینده با طلاع خلقهای قهرمان ایران خواهیم رساند.

"قانون شوراهای اسلامی"

«قانون» یورش به شوراهای واقعی

بیش از ۱۷ ماه از قیام خونین خلقهای قهرمان ایران میگذرد، ۱۷ ماهی که سرشار از مبارزات حق طلبانه کارگران، زحمتکشان و خلقهای علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی است. رژیم جمهوری اسلامی که حافظ منافع سرمایه داری وابسته است و استقرار و تثبیت خود را در سرکوب مبارزات خلقها و در راس آن طبقه کارگری بیند، در این مدت بوضوح چهره ضد خلقی و کریه خود را به نمایش گذاشته است. به بند کشیدن کارگران مبارزان انقلابی، اعدامهای وحشیانه انقلابیون کمونیست، کشتار ریه بر ما نه خلقها و... شیوههایی است که رژیم برای نابودسازی دستاوردهای قیام از آن سود برده است.

شوراهای سندیکاها و... از جمله دستاوردهای اصلی قیام بودند که مینمایند به سدی عظیم در برابر اهداف ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی قرار داده شده و راه توده ها را اعمال میگردند. رژیم که از زمان ابتدا این موضوع را بخوبی درک کرده بود، در پی آن بود که در اولیسن فرصت تیشه خون آلود خود را بر ریشه این دستاوردها فرود آورد. کارنامه سنگین جمهوری اسلامی در یکسال و نیم گذشته بسیار نگران کننده و توطئه های بسیار است علیه کارگران، زحمتکشان و خلقهای امروز سرمایه شدت بیشتری گسترش یافته است. رژیم تا آنجا که می - شود از سلاح قانون که همان قانون سرمایه است استفاده میکند، قانونی که مانند قتل و زنجیر بر پای کارگران و

زحمتکشان است و آنجا که این سلاح بر زندگی کافعی ندارد، از توطئه و ناک و مسلح آمریکا استفاده می نماید. وسیله های سبتر زحمتکشان را هدف گلوله قرار میدهد، به این امید پوچ که تا بدبخوا ندر برابر حرکت توفنده توده های انقلابی به رهبری طبقه کارگر سدی بوجود نیاید.

لایحه قانونی شوراهای اسلامی کارکنان موسسات و کارخانجات، توطئه مذبذبه ناپسندی است علیه کارگران و زحمتکشان میهن ما. رژیم میکوشد تا شوراهای را که خودخواهان است بر کارگران تحمیل کند، تا شاید از "شر" مزاحمتی شوراهای واقعی که دست بر ما - داران و دولت حافظ آنها را در پوست گردو میگذارد راند راحت شوند. رژیم خواهان چنان شورایی است که اوامر سرمایه داران و دولت حامی آنها را موبه موبدون کم - وکاست اجرا نماید و کارگران را تبدیل به برده های مطیع و فرمانبردار نماید تا برای بهره کشی و استثمار هر چه بیشتر آماده شوند. اما طرح کردن چنین اهداف خیانتکارانه ای با همین مراحت و روشی بخصوص با توجه به سطح آگاهی کارگران عملی است که فقط از یک دنیای برمی آید و شرط عقل نیست، به یاد این تحفه راداریا چه زربافت پیچیدنا بیننده در رنگها و اول مشتمل نشود. ما

بقیه در صفحه ۱۰

در کارخانه چیت ممتاز کارگر دیگری قربانی سپیستم سرمایه داری شد!

پس از چند تا نیه دست کارگران که تا زهم عروسی کرده بود مثل گوشتی که در جرخ گوشت انداخته شدی همرا ه پنبه ها جلای شده و بیرون می آید، همکاران این کارگران که به کمک اومی شتابند، (البته به علت سرو - صدای زیاد ما شینها تا مدتی ملتفت این موضوع نمیشوند) و پس از اینکه او را از لای شستگاه بیرون می - آورند به داره بیمه که در جوار کارخانه است میبرند. دکتر بسا زیدین جوان کارگری پیش به همراهان او میگوید: "بروید دستش را بیاورید!" که یکی از همراهان کارگر با نا را ختی قراوان میگوید: "کدام دست؟ دستی که مثل گوشت جرخ کرده چرخ شده است؟"

از محل حادثه تا در خروجی سالن که حدود ۳۰ تا ۴۰ بقیه در صفحه ۴

گزارش زیرا که تنها با تگرگوشه ای از دستم و استثمار و حشیانه ای است. که در شرایط حاکمیت سرمایه داری وابسته بر کارگران و زحمتکشان ایران روا میشود، یکی از کارگران مبارزان کارخانه چیت ممتاز برای پیکار فرستاده که ما قسمتها را از آنرا عینا در اینجا درج میکنیم.

"در تاریخ ۵۹/۵/۹ متصدی قسمت جلای کارگر جوانی را که تا زها ستخدام شده بود روی دستگاه جلای گذاشت تا به جای یک کارگر که هر که ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه و تجربه دارد کار کند. کارگران وقتی که ما شین گیر میکنند، با اینکه از وضعیت ما شین جلای خیرندارد سعی میکنند که آنرا را به بندازند، اما دستش لای شوردگی - میکند. روی شوردگی مثل این است که میخ چسبانده ای،

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳

در کارخانه ...

متمن میشود مثل اینکه با سطل آب بریزی خون ریخته بود پس از این حادثه کارگران دست‌دهسته و با قیافه‌های بهت زده به دیدن منظره می‌آمدند و دنیا را از سوال را در جلوی چشم خود می‌دیدند. برآستی تا کی کارگران با دیده چا رنجین حادثه‌ها می‌باشوند؟ کارگری فریاد میزد:

"من ۱۵ سال سابقه کار دارم، هر کاری کرده‌اند سر این ماشین کار نکرده‌ام، چون خیلی خطرناک است." کارگر دیگری داد می‌زد:

"با سابقه‌ها که تجربه هم دارند می‌ترسند روی این ماشین کار نکنند، این جور ما شینما مثل سگ‌ها را میمانند، خیلی سریع یک جای بدن را میگیرند و مثل کوسه بقیه بدن را می‌بلعند، چند سال پیش کارگری موهای سرش گیر می‌کند و می‌رود لای نوردها پس از آن خوراک ما شین شده، چرخ کرده‌ها از آن طرف بیرون می‌آید. تا حالا این ماشینها چندین بار رخا جبهه‌ها را آورده‌اند، آخر کار ما مرده‌ایم..."

این کارگر جوان تا زده و اردار روی این دستگاه گذاشته و این بلا را سر این بدبخت آورده است؟"

کارگران همه غم‌زده بودند، همه در فکر فرو رفته بودند و می‌گفتند... بخاطر اینکه دولت و سرما به‌داران سود بیشتری بدست آورند و سائل ایمنی مخصوص این ماشین استفاده نمی‌کنند... (سرما به‌داران نمی‌کنند و سائل ایمنی دستگاه را با می‌کنند تا ماشین تولید بیشتری کند و درآمد کارش بیشتر شود، تا سود بیشتری به جیب بزند... سخا طرا اینکه ما شین حلاجی ۲ ساعت نخواهد بود و تولید عقب نمی‌ماند، کارگر جوان را روی آن گذاشته اند که با عت قطع دست وی تا آن رنجش شد! ...

آخر ما تا کی با بدشا هدیک چنین صحنه‌ها می‌کنند؟ با شیم؟" کارگران زیاد جمع شده بودند در آن میان ناگهان یکی از سرپرست‌ها گفت: "با بدبختی سرکار تا آن مگه چی شده...؟" که با اعتراض کارگران روبرو شد، یکی از کارگران گفت: "مگه چی شده؟ دیکه می‌خواستی چی بشه؟ دست یک کارگر جوان قطع شده اونوقت تو می‌پرسی چی شده؟ این برای تو اهمیتش نداره؟ همین شما تمندی‌ها و سرپرست‌ها مقصد یک کسه کارگران را سردست‌ها می‌کنند و اید که وارد نیستند؟ سرپرست وقتی که دید کارگران در جلوی او ایستاده اند مثل موش توی سوراخی خزید و گفت: "اصلا به من چه..."

برآستی ما تا کی با بدشا هدر چنین صحنه‌ها می‌وختن تا کی با شیم؟ تا زمانی که ما معرما به‌داری است و سرما به‌داران وجود دارد و حکومت در دست آنان است ما باید تا هاد اینگونه حوادث با شیم، سرما به‌داران اینک سود بیشتری ببرند و سائل ایمنی را روی دستگاه نمی‌گذارند تا تولید بیشتری داشته‌ها شود و کارگران را به اضافه‌کاری و امیدارد، فقط در حکومت کارگری است که کارگران دیگر در چا رنجین حوادثی نمی‌شوند زیرا در حکومت کارگران فشار به کارگر نمی‌آید، کارگر برای تامین مخارج زندگی خود مجبور نیست ۴ تا ۵ ساعت اضافه‌کاری کند که در آخر خستگی کار رود، چا رانحه شود، پس بگویم و با هم متحد شویم تا حکومت خودمان یعنی حکومت کارگران را برقرار کنیم!"

مبارزه برای بازگرداندن کارگران مبارز اخراجی آمل همچنان ادامه دارد

مواجه می‌شود، می‌گوید: "من هیچ کاره‌ام و از همین حالا می‌گویم و اعلام می‌کنم که تا آن کسان که بدستور ویا... من اخراج شده‌اند می‌توانند به سرکار خود بازنه‌گردند و اصلا بین کارها به‌داره‌ها کار مربوط است." در این هنگام یکی از نمایندگان می‌گوید: "اگر شما هیچ‌کاره بوده‌اند، پس چطور اعضای انجمنهای اسلامی معلمین و کارگران با تا شیدما و گوسیدن مهرا اخراج و تأییدیه انجمن، حکم اخراج مطلقان و کارگران را ما در نمودند؟! " دادستان پاسخ میدهد: "خالد یگر به من مربوط نیست، من می‌گویم در راه دیو و روز نامه‌ها اعلام کنند "دیگران کارها ربطی به من ندارد".

در فاصله یک‌هفته کارگران در محوطه "دادگاه انقلاب" به بحث و امسارگری درباره عملکردهای فدا انقلابی "دادگاه انقلاب" و ساداران مشغول بودند، فرماندار شهر که قصد رفتن به محل دادگاه را داشت سر می‌رسد:

"کارگران دورا و اگر فرستد و یکی از آنها می‌پرسد: "آنها به چه حقی کارگران را اخراج می‌کنند؟ فرماندار می‌گوید: طبق ماده ۳۳ قانون کار! یکی دیگر از کارگران می‌گوید: "اینهمه شهید و زخمی دادیم، هنوز می‌گویند طبق ماده ۳۳ قانون کار؟! فرماندار جواب میدهد: هنوز قانون کار جدیدی نمانده، بنا براین این ماده همچنان به‌قوت خود باقیست! و کی بدبختی از این دربارا اعتراض کارگران تا بتمبا وارد داخل می‌خورد در این هنگام نمایندگان کارگران بچنان آنتها می‌آیند و پس از امسار اعمال فدا انقلابی دادستان متخصصین با صدور مطلقنامه‌ای خواستار زکشت فوری و بدون فدروسط کارگران مبارز اخراجی به سرکارها شان می‌شوند. آنگاه کارگران موقتا به تحصن خود یا بان می‌دهند و برای محص شدن نسجه ۵ روز مهلت تعیین می‌کنند و اعلام می‌دارند که اگر پس از انقضای این مدت به خواست آنها رسیدگی نشود باید یک‌دست به تحصن خواهند زد."

چندی است که رژیم جمهوری اسلامی یورش همه‌جانبه و سازمان یافته‌ای را علیه نیروهای انقلابی، کارگران و کارکنان مبارز در کارخانه‌ها، ادارات و موسسات، تحت پوشش عوامفریبانه و فدا انقلابی "تصفیه و پاک سازی" آغاز نموده است. بدنبال همین سیاست ضد انقلابی، ده‌ها تن از کارگران مبارز کارخانه‌ها از جمله کارخانجات جین من، بیلوجین، آجرما شینسی من تا ۲۰۰۰ تن اخراج شده‌اند این سیاست که ماهیت واقعی آن چیزی جز حمله به دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان مانند شوراهای و سندیکاها و واقعی و اخراج عناصر آگاه و مبارز نیست موج وسیع و گسترده اعتراض کارگران مبارز را به همراه داشته است، این کارگران به شکل گوناگون مانند ایجا دستدوق کک و تسان (کارگران کوره‌بازخانه‌ها) و با جمع‌درآراءه کاروان "دادگاه انقلاب" (مانند کارگران جین من)، حمایت و پشتیبانی خود را از کارگران اخراجی ابراز داشته‌اند.

روز چهارشنبه ۵۹/۵/۸ ساعت ۲/۱ بعد از ظهر پیش از یکمدرتن از کارگران کارخانه جات آمل بحمایت از کارگران مبارز اخراجی کارخانجات این شهر در محصل "دادگاه انقلاب" دست به تحصن می‌زنند پس از مدتی دادستان به اصطلاح انقلاب، تحسب فشار کارگران اعلام می‌کند که حاضر است با یکی از نمایندگان کارگران اخراجی مذاکره کند، اما سرانجام به علت با فشاری کارگران دادستان با چپا رنصر نما بنده کارگران اخراجی و کنفرنما بنده از طرف کارگران شافلگی که به حمایت از این کارگران در تحصن شرکت کرده بودند به بحث و گفتگو می‌نشینند، وی ابتدا سعی می‌کند با تهدید و "خلالگر" و "فدا انقلابی" نامیدن کارگران اخراجی موضوع را تمام شده قلمداد نماید، اما وقتی با با مساری و فشاری نمایندگان کارگران

مبارزه کارگران اخراجی چیت ممتاز همچنان ادامه دارد

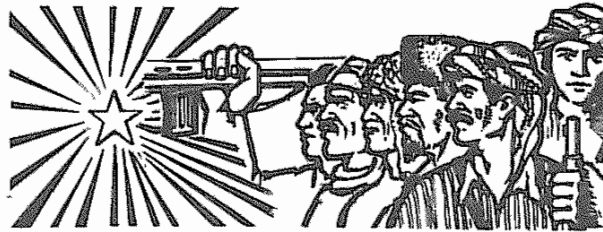
عنا صر کورند تاگر کرده و بدنبال مسبارتی‌ها و زمینه‌سازی‌های بسیار ۱۲ تن از کارگران مبارز را در دونه‌نویت در روزهای ۶ و ۷ مرداد ما از کارخانه اخراج می‌کنند. عکس العمل کارگران در قبال این اخراج متفاوت بود تعداد کمی حرف سو را با ورم می‌کردند ولی بقیه نمی‌توانستند راهبطن بین کودتاگران و کارگران مبارزی که خود را نزدیک آنها را مبشنا ختند تصور کنند در همین رابطه یکی از کارگران ضمن خواندن اعلامیه بوزخندی زده و گفت: "آنگاه کارگران قرار بوده سوار ما سوره‌ها بشوند و بروند هوا و از آن بالا کلاف بریزند!" کارگران اخراجی برای بازگشت به کار به یک سلسله فعالیت دست می‌زنند که در زیره‌بیرخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - شکایت به وزارت کار - کارگران مبارز اخراجی به وزارت کار شکایت می‌کنند اما به نتیجه‌ای نمی‌رسند، در این رابطه وقتی نماینده وزارت کار با مراجعه بکارخانه از کارفرما و اعضای شوراهای خواسته‌ها دلیل اخراج کارگران را روشن کنند بقیه در صفحه ۱۱

چندی قبل شورای غذاکاری کارخانه چیت ممتاز یکی از کارگران مبارز زرن را به "جرم" کومنیست بودن از کارخانه اخراج می‌کند، این کارگرمونف می‌شود در کمیته تمام آنها مات واهی‌ای را که به او نسبت داده بودند در دادگاه از آنجا برگه‌ها زکشت به کار می‌گیرد، اما شورا همچنان با بازگشت او مخالفت می‌نماید، کارگر مذکور تا گزیر به وزارت کار شکایت می‌کند، وزارت کار می‌گوید ما فقط می‌توانیم طلبکاری شما را بگیریم و طبق ماده ۳۳ کارفرما هر موقع که دلش خواست می‌تواند کارگری را اخراج کند، در این هنگام بیش از ۲ نفر از کارگران مبارزان کارخانه بمنظور بررسی راه‌های بازگرداندن کارگران اخراجی تشکیل جلسه می‌دهند به علت بیدقتی کارگران مبارز کارگر خیرجینی در این جلسه نفوذ می‌کنند و پس از بیان کارگران جلسه و مشخصات کامل کارگرانی که در آن شرکت کرده بودند را در اختیار شورا قرار می‌دهد، شورای غذاکاری که بدنبال بیانه‌های برای اخراج کارگران مبارز میگشت از فرصت استفاده کرده و بلافاصله با صدور اعلامیه‌ای کارگران مبارز را متهم به "همکاری با

با تمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!

خلق ها و مسئله ملی



خلق کرد! رزم تو پیروز باد!

علیرغم هائوی رژیم مبنی بر برقراری حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان، خلق کرد پیروز مندانند و با استواری بیش از پیش به پیکار رومقاومت خونین خود ادامه میدهند و هر روز ما شاهد پیروزیهای بیشتر گان قهرمان در شهرهای مختلف کردستان هستیم، دو خیر زیر همچون نمونه های فراوان دیگر دروغهای ناخدا ر رژیم را در سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد نشان میدهد:

اشنبه ۱۸/۵/۵۹

حمله ای شجاعانه به نیروهای ضد خلق

یک ستون ارتشی به همراه عده ای با سدار باغ تا یک

و در معیت ۲ هلیکوپتر روستاهای "سرگز" و "قرا سرکال" را مورد یورش فذ خلقی خود قرار دادند.

این ستون با مقاومت جانان ازانه پیشمرگسان دمکرات مواج گشت. بس از مدتی کوتاه به پیشمرگسان قهرمان کومه له و پیکار ریز بیباکری پیشمرگان دمکرات شتافتند. طی نبرد به پیشمرگان قهرمان با شیروهای ضد خلق عده ای از نظامیان و پاسداران کشته و یک تانک بدست پیشمرگان رزمنده دمکرات و کومه له افتاد ارتش با دادن شکست حتی خود از دست پیشمرگسان قهرمان، روستای "خاله" و چند روستای دیگر را بتسویب بسته و موجب ویرانی چندین خانه در منطقه مذکور گردید. همچنین هلیکوپترها نیز در حادثه تاراف رازیر باران گلوله های خود قرار دادند.

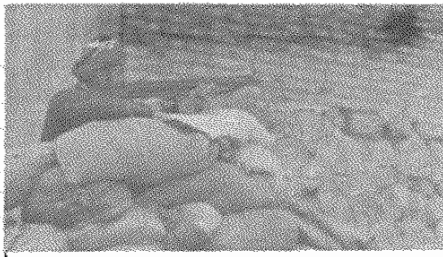
در اثر تیراندازی هلیکوپترها یک جیب موردها با دست

گلوله قرار گرفت و دو نفر از سر نشینان زحمتکش آن شهید شدند. همچنین در این روزها شرافتقا ریک مین در اشنبه چند ارتشی زخمی و دو پاسدار کشته شدند.

سردشت ۲۳/۵/۵۹

هلیکوپترها در کمین پیشمرگان قهرمان

امروز سه هلیکوپتر ارتشی در منطقه "کلته" اقدام به پیا ده کردن نیرو نمودند. بعد از پیا ده شدن، نیروهای فذ خلق مورد حمله شجاعانه پیشمرگان قهرمان قرار گرفتند. خبری حاکی است که عده زیادی از سر نشینان هلیکوپترها کشته شدند. اما از ما ر دقیق کشته شدگان اطلاعای در دست نیست.



رزم آوران دریادل، آتش تداوم انقلاب را در کردستان قهرمان همچنان زنده نگاه داشته اند.

بقیه از صفحه ۱۳

نگاهی ...

وتحولات هنری در این دوران از دیدگر جوانب یک بررسی علمی است.

از جانب دیگر با بد توجه داشت هنر آن نوع آگاهی بشری است که خود مستقیما، واقعیت را منعکس نساخته و چون علم با کمیت های عینی و فانونمندیهای مادی سروکار ندارد بلکه با واسطه تخیل و با تکیه بر احساسات و با واقعیات عینی مربوط میشود. و این همان نکته ای است که خلاقیت هنری را از پیچیدگی خاصی برخوردار میکند. به این ترتیب برای گریز از ساده انگاری، در درک ماهیت طبقاتی هنر با بد بیش از همه به عنصر ایدئولوژیک آن تکیه کرد و از این طریق پیوند آنرا با طبقات درون جامعه نشان داد. گرچه ادبیات مشروطه ادبیات آن دوران انقلابی است که با پایا ن یافتن روند آرم زندگی، مبارزه طبقاتی حادثه روحی آشکار و با صراحت و روشنی بیشتر، در معنویات بروز کرده و مرز بندی های طبقاتی در آشکارترین جلوه خود در همه شئون زندگی اجتماعی تحقق می یابد.

در کنار چنین حقایق بنا به همان ویژگیهای متمایز آفرینش هنری، برخورد زیبایی شناسانه به هنر مشروطه تعیین کیفیت هنر این دوران و دستاورد های آن در این رشته ارتباط بیچیده به سبکهای مختلف با تحولات جاری و جنبه های پیشرو و ارتجاعی و ... همه و همه ضرورت تمام برخوردار است و در واقع آن سوی سکه بررسی ما ر کسب می ر در حیطه هنر تشکیلی میدهد که البته در نظر گرفتن تمام این جنبه ها، نیاز به خلاقیت، مهارت و شناخت هنری وسیع و کار فعا لانه دارد که با بد میدهد اثبات رزمنده صورت بپذیرد. ما در اینجا تنها برخوردی فشرده و گذرا از هنر این دوران را نمیدهم:

ادامه دارد

۲۸ مرداد ۱۳۵۸، روز فتوای آیت الله خمینی برای یورش به کردستان

– های دهقانی در روستاهای کردستان، و بالا بودن پتانسیل انقلابی و سطح آگاهی و مهمتر از همه وحدت مبارزاتی خلق کرد بود.

به همین خاطر، یکما بعد از واقعه میمن، توطئه های جنگ افروزان ارتش فذ خلقی با همدستی مرتجعین محلی از جمله مفتی زاده ملا حسینی و ... شکل گرفت و عاقبت به میمباران وحشیانه سنج کله ای آن مدها تن از زحمتکشان کرد به شهادت رسیده، انجام مید.

بدنبال کشتار مردم بی دفاع سنج، نقده و ...، هیئت خاکه با موجی از خیزش مسلحانه و انقلابی توده های زحمتکشان کرد در سر کردستان مواج گشت. خیزشی که بر بستر همبستگی خلقها و توده های آگاه و مبارز سرایران از یکسو، و حمایت و شرکت فعال کمونیستها و نیروهای مترقی از سوی دیگر هر روز بیش از پیش موجب کسب موفقیت بیشتری برای خلق کرد میگشت.

دولت موقت منتخب آیت الله خمینی، در هر گام خود با طوفان خشم انقلابی خلق کرد روبرو گشته بود. ارسال نماینده ها، آیت الله لقا نی و ... همه و همه نشان از آن می دادند که جمهوری اسلامی از برقراری حاکمیت بلاواسطه در کردستان مستاصل نشده است. از طرفی حمایت همه جا شبه نیروهای انقلابی و بی ویژه کمونیستها در راستای افشای سیاستهای هیئت خاکه از کشتار و سرکوب خلق قهرمان کرد و شناختن با نداشتن ماهیت جنگ کردستان و توضیح خواستهای عادلانه خلق کرد، موجب گشته بود که بخشی از توده ها اساسا سلالت جنگ کردستان و کشتار خلق کرد توسط هیئت خاکه را زیر سوال قرار دادند. نتایج حاصله، در این روند

بقیه در صفحه ۶

خلق قهرمان کرد، بدنبال دهها سال مبارزه برای کسب خود مختاری و رها شدن از قید ستم ملی- طبقاتی کله ای سا لیا حاکمیت رژیم و با بسته به امیر لایم شا به سر آن تحصیل شده بود، کمتر از دو ماه بعد از قیام، با ردیگر (منتشی اینبا ر بدست تا ز به قدرت رسیدگان و میوه – جینا انقلاب) از بر میمباران و کشتار وحشیانه ارتش فذ خلقی قرار گرفت. نوروز خونین ۵۸ با بمباران سنج، سر آغازتها جو وحشیانه بورژوازی و خورده – بورژوازی حاکم بر این خلق رزمنده بود. این یورش فذ خلقی که در چهار جوب دفاع از منافع طبقاتی کسل هیئت حاکمه و تحت یوش "جنگ با کفار" و تجزیه طلبی انجام می گرفت، و هدف عمده رادنبال می کرد:

۱ – کسب سرکردگی و حاکمیت برای بورژوازی حاکم در کردستان جهت تامین منافع طبقاتی هیئت حاکمه با حمایت از توده لیا و زمینداران بزرگ، وادامه استعمار رتوده های زحمتکشان خلق کرد تحت عنوان "تابعیت استان کردستان از دولت مرکزی".

۲ – جلوگیری از سرایت آتش مبارزات ملی- طبقاتی خلق کرد به دیگر خلقها و منقله و رشتن جنبشهای ملی در سراسر ایران.

و در ست به همین خاطر، هیئت حاکمه جدیدنه می خواست و نه اساسا می توانست به خواستهای برحق خلق کرد پاسخ گوید. مبارزات عادلانه خلق کرد در شهرهای کردستان و هما هنگی و یکسان بودن اهداف ایمن مبارزات نمی توانست بورژوازی تا ز به قدرت رسیده را نگران نسا زد. این نگرانی در حقیقت بیاهمیش قدرت مسلح خلق تحت رهبری سازمانهای سیاسی – انقلابی خلق کرد و اعمال حاکمیت مسلحانه توده های زحمتکشان شهری – روستایی در شوراهای شهری و اتحادیه های

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ ۲۸ مرداد ۵۹

نمی‌توانست در ریزش توهم بخش اعظم توده‌های آکا و کوه میوه چینان انقلاب فقط (و فقط) به اعتبار این توهم شوا نسته اند تا کنون بر مسند قدرت باقی بمانند، بسی تا شیربا شد.

رژیم می خواست کردستان را تحت سیطره قدرت خود درآورد و برای اینکار رلازم بود که از پشتیبیا نسسی توده‌های متوهمنا آکا، و بسیج شدن آنان با تحریک احساسات مذهبی شان، برخوردار باشد. از طرفی فعا لیتها ی افشا گرانه و آکا هگرا یا نه نیروه‌های کمونیست و مترقی و شنا ساندن، ما هیت خواسته‌های عادلانه خلق کرد برای توده‌های نا آکا ه، مانع از پیشبرد سیاستهای فوق الذکر هیئت حاکمه بود. پس هیئت حاکمه برای آغا و تها جم خویش به کردستان، می بایست فضایی مسموم و تحریک شده بر علیه خلق کرد و نیروهای انقلابی ایجاد کند. برای پیشبرد این سیاست لازم بود از ادیهای دموکرا تیک و مکان فعالیت - های آکا هگرا نه‌سا زمانه‌های کمونیستی و نیروهای مترقی را مورد یورش قرار دهد. نشریات انقلابی را توقیف کند و دفاتر نیروهای انقلابی را با خاک یکسان سازد. رژیم در اجرای این سیاستهای ضد مردمی، بسا بسیج و سا زمان دادن دسته‌های اوباش و قداره بنسند دفاتر نیروهای انقلابی را مورد حمله قرار داد. هزاران نسخه از نشریات آکا هگرا نه نیروهای انقلابی بسا آتش کشیده شد و تصدها ن فرد در گوشه و کنا رکشور توسط مزدوران رژیم به بیانه کمونیست بودن مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

هجوم به آزا دیهای دموکرا تیک که پیش درآمد یورش به کردستان بود با فتوای آیت الله خمینی مبنی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کاملتر گشت. شهرهای بوکان، سنقر، سنندج و میا با دو چند شهر دیگر در محاصره اقتصادی - نظامی شدید قرار گرفتند. سقوط شهربوکان در حدفاصل بین کردستان و آذربایجان بدست نیروهای فدخلق آغا زکشتا روحشیا نه ترا زپیش خلق کرد توسط هیئت حاکمه بود. موج قتل عام در کردستان بر اه افتاد صدها تن از زحمتکشان خلق کرد بوسیله بمبها و گلوله‌ها و خمپاره‌ها و دیگر مهفسات آمریکا ی ارتش آریا مهری بخون خویش در غلطیدند. دهها تن از انقلابیون کمونیست و فرزندان مبارز خلق کرد به جرم کمونیست بودن، توسط جلادان کله‌پوکی نظیر خلخالی به جوخه عدا مسپرد شدند. ابعا داین تها جم بحدی بود که حتی پیران و کودگان خردسال نیز از قتل عام درآمان شماندند.

یورش رژیم به خلق کرد اگر چه در ابتدا، با تمسخر برخی شهرها با پیروزی ظاهری همراه بود اما مقاومت حماسه - آفرین توده‌های زحمتکش کرد و نبردهای قهرمانانه پیشمرگان رزمنده خلق کرد در این تفکر که رژیم بسا محاصره نظامی - اقتصادی و کشتا خلق کرد تواتسته است آتش مبارزات دلیرانه و قهرمانانه آنها را تا مدتی خاموش گرداند و خط بطلان کشید، چرا که خلق کرد با مبارزات خود به اشکال مختلف، از زحمت، اعتماد و نظرات شگوهمند در شهرهای مختلف گرفته تا نبردها مسلحانه پیشمرگان قهرمانان نیروهای فدخلق، از نظرسیا سئ - استراتژیک و اتحادی نظامی آنچنان شکستی را به رژیم تحمیل کرد که سردمداران آن را وادار

نمود تا مفتضا نه‌های میزدا کرده‌ها نما بیندگان سیاسی خلق کرد بشنوند و بعد از مدتی کوتاه نیروهای سرکوب - گر خود را با خفت هر چه شما مترا ز بیم آتش و جگر برنده خشم توده‌های زحمتکش کرد، از اکثر شهرهای کردستان خارج سازند. اما نیا بدفرا موش کرد که عقب نشینی مقطعی رژیم در کردستان بعد از تها جم ۲۸ مرداد ۵۸ نه در جهت دست کشیدن از کردستان بلکه تحت فشار شکننده توده‌های مسلح کرد و برای تجدید قوا و تقویت سازمانه‌های سرکوبگر خود یعنی ارتش و پاسداران دست به‌این عمل ناخواسته زد. از طرفی در فاصله بین زمان

مبارزات عادلانه خلق کرد در شهرهای کردستان و هماهنگی و یکسان بودن اهداف این مبارزات نمیتوانست بوزواری تازه بقدرت رسیده را نگران سازد. این نگرانی در حقیقت پیامد نمایش قدرت مسلح خلق تحت رهبری سا زمانه‌های سیاسی - انقلابی خلق کرد و اعمال حاکمیت مسلحانه توده‌های زحمتکش شهری - روستایی در شورا‌های شهری و اتحادیه‌های دهقانی در روستاهای کردستان، و بالا بودن پتانسیل انقلابی و سطح آگاهی و مهمتر از همه وحدت مبارزاتی خلق کرد بود.

هجوم به آزادیهایی که پیش درآمد یورش به کردستان بود با فتوای آیت الله خمینی مبنی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کاملتر گشت.

خروج ارتش و پاسداران از شهرهای کردستان و یورش فدخلقی مجدد به آنجا، رژیم یگرا گهای فربکارانه‌ای در حرکت سیاسی خود بنا نهاد و دوزخ بنه مسا عدتری برای تها جم جدید به کردستان فرا هم ساخت. تصرف سفارت آمریکا و بسیج توده‌های متوهم و نا آکا ه حول شتا رهای تو - خالی گدا میربا لیسما آمریکا را بدون دست زدن بسا با یگا ه ما دی آن (سرما یهداری وابسته) در آسمان مورد حمله قرار می دادند از طرفی و درگیریهای مرزی - متاسی برای جمهوری اسلامی تحت عنوان مبارزه با امپریالیسم آمریکا و رژیم بعث عراق در جهت سرکوب خلق کرد و تها جم جدید به آزا دیهای نسسی که بعد از عقب نشینی رژیم از کردستان ایجاد شده بود فرا هم ساخت چنانکه ما شاهد بودیم که رژیم همزمان با یورش بسا کردستان و قتل عام خلق کرد، دانشگاهها را تحت عنوان



پاسداری که در عکس می بینید ناظر و نگهبان اجساد عوامل پالیزیبان و حکومت ارتجاعی بعث عراق نیست. وی ناظر اجساد هموطنان زحمتکش کردی است که در فتوای هجوم سال گذشته آیت الله خمینی بدست پاسداران ارتش فدخلقی بسا شهادت رسیده‌اند.

نبا شیم و همچنین روزی نیست که ما ضربات کساری فرزندان مسلح خلق را بر نیروهای فدخلقی ناسیم. رژیم ما توسطه سکوب در مورد خلق کرد و سوزگ نما یاندن به اصلاح فتوحات خود، می خواهد ما رزه - ای را که همچون رودی خروشان در کردستان جریان دارد از پیش چشم توده‌ها و خلق پوشیده نگه‌دارد بنا بر - این وظیفه کمونیستها و تمام نیروهای انقلابی و مترقی و برعهده‌ها توده‌های آکا ه و مبارزات که اخسار مبارزات انقلابی خلق کرد را به طریق ممکن بگوس خلقها و توده‌های زحمتکش برسانند و حمایت فعال و همه‌جانبه از خلق کرد، شوطه‌های رژیم را در سه انزوا کشیدن خلق کرد، خنثی سازند.

بهر روز با دجنش مقاومت خلق قهرمان کرد بر فرا ربا د خود مختاری خلقها در جها رجو ب ایرانی مستقل و دمکرا تیک

نبا شیم و همچنین روزی نیست که ما ضربات کساری فرزندان مسلح خلق را بر نیروهای فدخلقی ناسیم. رژیم ما توسطه سکوب در مورد خلق کرد و سوزگ نما یاندن به اصلاح فتوحات خود، می خواهد ما رزه - ای را که همچون رودی خروشان در کردستان جریان دارد از پیش چشم توده‌ها و خلق پوشیده نگه‌دارد بنا بر - این وظیفه کمونیستها و تمام نیروهای انقلابی و مترقی و برعهده‌ها توده‌های آکا ه و مبارزات که اخسار مبارزات انقلابی خلق کرد را به طریق ممکن بگوس خلقها و توده‌های زحمتکش برسانند و حمایت فعال و همه‌جانبه از خلق کرد، شوطه‌های رژیم را در سه انزوا کشیدن خلق کرد، خنثی سازند.

بهر روز با دجنش مقاومت خلق قهرمان کرد بر فرا ربا د خود مختاری خلقها در جها رجو ب ایرانی مستقل و دمکرا تیک



پاسداری که در عکس می بینید ناظر و نگهبان اجساد عوامل پالیزیبان و حکومت ارتجاعی بعث عراق نیست. وی ناظر اجساد هموطنان زحمتکش کردی است که در فتوای هجوم سال گذشته آیت الله خمینی بدست پاسداران ارتش فدخلقی بسا شهادت رسیده‌اند.

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دموکرا تیک

داستان «شیعه تراشی» و خداشناس شدن چه گوارا در تلویزیون!

از قدیم گفته اند "الغریق بپشت بکل حشیش" یعنی غریق به هر خن و خاساکی چنگ میزند. این ضرب المثل شامل طبقات وایدئولوژیهای ورشکسته ای که میکوشند به وسیله ای جنگ زنند تا بلکه علت وجودی خود را توجیه کنند و خود را موجه و قابل قبول نشان دهند نیز میشود. زمانی در دوره صفویه "شیعه تراشی" معمول بوده تبلیغاتی های حکومتی می نشستند و هزار آسمان و ریسمان را بهم می بافتند تا ثابت کنند که مثلا فلان شاه معروف و محبوب مردم شیعه بوده است نه سنی! و قضا یی خنده آری می ساختند. به این ترتیب بود که سعدی و حافظ و فردوسی پس از سالها و قرنهای کازیرکشان میگذاشتند با "تعبیر و تفسیری" که از شعرهایشان میگذاشتند "شیعه علی" از آدمی آمدند و فلان فیلسوف که سالها تکفیرش کرده و او را آواره بیا بنا کرده بودند، بزرگ ترین خدا شناس می شود "صدرا المنالیهین" لقب میگرفت فلان دانشمند و طبیب شاگرد فلان اما از آدمی آمد و قس علیهذا، بعد از شهریور ۲۰ و شکست دیکتاتوروری رضا خانی و بدنبال بروز گسترش جنبشهای اجتماعی در ایران، برخی گروههای مذهبی پیدا شدند و سعی کردند اعتقادات مذهبی را با رنگ و لعاب علم و دانش جدید به دیگران عرضه کنند تا زمین قضا با بنحوی دیگر تکرار گشت، کسانی که پای منبرها نشستند انبیا دنان هست که برخی و عاظ با آب و تاب تمام یکی دو اسامی خارجی را حفظ کرده، می تکرار میکنند که آنها مثلا در باره اسلام... چنین و چنان گفته اند و با لحن خاصی و تلفظ ویژه منبری بگویند "مستمعین! بنخوا نند که دکتر گوستا ولوبون فرانسوی یا "دکتر فلان" یا "ولتر" یا "جرج جردا ق مسیحی" را چه به سلامیا حضرت علی چنین و چنان گفته و "حقا نیت" اسلام را از زبان آنها نتیجه میگیرند! (الست حالاهما ن بحنیها و حرفهای قدیمی و کهنه را در "بحنیها" ایدئولوژیک روزنامه های رسمی اسلامی و رادیو تلویزیون فراوان مآ هده میکنند).

اگر سابقا نوبت شعرا، دانشمندان، مسیحیان یا یهودیان معروف بود که بی از مرگ شیعه یا مسلمان شوند. حالا نوبت انقلابیون و کمونیستهای است که میر خود را بر مرحله ای از تاریخ مبارزات خلقها چنان کوفته اند که نمی شود متنگرنا ن شود استگسا ه تبلیغاتی جمهوری اسلامی میخواهند برای جا انداختن "اندیشه" خود زنا مآ نیاسو" استفا ده کنند، خود طرف هم البته مدتهاست از "دینار رفته" اونی نمی تواند اعتراض کند! اینجا است که چه گوارا، انقلابی معروف آمریکای لاتین در مقدمه فیلمی که شب جمعه گذشته از تلویزیون پخش شد "موحد" و خدا شناس از آدمی آمد. آخر از نظر گردانندگان جمهوری اسلامی مگر میشود کسی ماتریالیست باشد و چنان فداکاریهای بکند؟! این حصابه "خدا" معتقد بوده! جندی پیش آیت الله خلیجی را چه به رفیق... ندا ئی شهید مسعودا حد زاده هم اظهار فضل فرمودند که

نهایم گسترده ارتجاع به نیروهای انقلابی و مردم مبارز رشت

دست زده و با دادن شعارهای نظیر "به تصمیم توده ها، زندانی سیاسی آزادیابد کرده"، "شعار هر زحمتکش نان، مسکن، آزادی" و... کینه و نفرت خود را از سیاستهای فدخلتی رژیم و اوباشان و پاسدارانش ابراز می دارند.

پنجشنبه ۵۹/۵/۱۶

ساعت ۸ بعد از ظهر اینروز، پاسداران ارتجاع به محل تجمع فروشندگان نشریات انقلابی و مترقی در "زیر شهرداری" حمله کرده و یکی از جوانان انقلابی را که نشریه "روزندگان" می فروخت دستگیری کردند. بدنبال آن حدود ۱۰۰۰ نفر از مردم را همبامی و نظارات بمنظورها ساختن انقلابی دستگیر شده تلاش می کنند اما بعطت تیراندازی پاسداران موفق به آزاد ساختن اونی گردند.

شنبه ۵۹/۵/۱۸

پس از چندین بار حمله به هواداران سازمان مآ در "زیر شهرداری" ساعت ۱/۵ بعد از ظهر اینروز پاسداران با ریدیکر به ساط هواداران سازمان حمله کرده و ضمن باره کردن نشریات و پلاکاردهای پارچه ای بکنفران دستگیری کنند.

یکشنبه ۵۹/۵/۱۹

در اینروز در محل سیزه میدان، زن حامله ای به پها نه ندا شن حاجاب مورد حمله یک زن متعصب و ناگناه قرار می گیرد. مردم بمحض دیدن این وضع به حماست از زن حامله بر میخیزند. در این هنگام پاسداران سر رسیده و به تیراندازی هوایی می پردازند. مردم خشمگین به ماشین پاسداران حمله می کنند. پاسداران از شدت تنفروا نزجا مردم به پها س افتاده و با بفرار میگذا رند. مردم مبارز رشت که از اینهمه بیداد و فساد ارتجاع بشنگ آمده بودند با برپایی راهبیمایی با شکوهی که در آن بیش از ۴۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند دست به افتخار گری میزنند. راهبیماییان ضمن دادن شعار - های از قبیل "مرگ برپا سدار"، "در دما درد شاست مردم بما ملحق شوید"، "از قحطی و گرانای مردم بختگ آمدند"، "گناهی توده ها، تا بودی ارتجاع" سراسر خیابان امیر کبیر را در صفوف فشرده ای می پیمایند. در انتهای خیابان و در حوالی میدان شهرداری یکی از تظا هر کنندگان سخنرانی می کند که با استقبال گرم مردم روبرو میشود. مزدوران عوامل رژیم که از صفوف متحد و یکپارچه مردم مبارز رشت ناراحت شده بودند زبونانسه برای متفرق نمودن آنها در میدان شترقه برتاب می کنند. پس از برپا کننده شدن مردم، اوباشان و فدا ره بندان رژیم جمهوری اسلامی ضمن شعار دادن به جستجوی افراد مبارزی بردا زندوداران را رابطه چند نفر از اهالی مبارز رشت را دستگیر میکنند.

در ماه گذشته مردم مبارز و نیروهای انقلابی رشت با رها زیر حملات ضد مردمی پاسداران ارتجاع و اوباش رژیم جمهوری اسلامی قرا ر گرفتند. حمله به نشریات مترقی، اکنون دیگر بصورت یک شیوه معمول در آمده است و دستگیری فروشندگان نشریات انقلابی روز بروز فزونی می یابد. گزارشی که در زیر ملاحظه می کنید شرح جریان حملات مکرر پاسداران به مردم و بساط نیروهای انقلابی و مترقی در رشت می باشد.

دوشنبه ۵۹/۵/۱۳

در اینروز پاسداران سرمایه به ده که هواداران سازمان سیکا در مرحله پلیس رشت حمله می کنند و ضمن جمع کردن نشریات و اعلامیه های موجود، کتک می که قصد دستگیری یکی از اهالی مبارز محل را داشتند با مقاومت مردم مواجه شده و مجبور به عقب نشینی می گردند. مردم به هنگام مفرار پاسداران، با دادن شعارهای نظیر "مرگ برپا سدار"، "از قحطی و گرانای مردم به تنگ آمدند"، "این است آزادی ما مردم قضا و ت کنید" و... شروع به راهبیمایی و برپایی جلسات سخنرانی و افتخار گری می کنند.

چهارشنبه ۵۹/۵/۱۵

در اینروز پاسداران مجهز تر از پیش به بساط فروش نشریات سازمان ما حمله کرده و یکی از اهالی محل را دستگیری کنند. آنها در مقابل اعتراض مردم به اسن دستگیری، با مشت و لگد بجان مردم بیدفاع می افتند. اینبار رنیز پاسداران وقتی با مقاومت یکپارچه مردم مبارز رشت مواجه می شوند بنا کامی محل را ترک می کنند.

بعد از ظهر همین روز عده ای از مآ دران زندانبان هوادار ماجا هدین خلق که در مقابل محل سپاه پاسداران دست به تحصن زده بودند، مورد حمله اوباش و قداره بندان رژیم واقع می گردند. طی درگیری بین مردم و اوباش چند نفر توسط پاسداران دستگیری شوند. بهممن خاطر مردم در حوالی محله "دبا غیان" به تظاهرات موضعی

اودر شب آخر که پای اعدا موده مسلمان شده است اما حنف که چه گوارا نتوانست به ایران بیاید و در محضر آیت الله توری رسا اسلام بیاورد چه بسیار نام خود را هم مثل محمد علی کلی از ارستوچه گوارا به محمد چه گوارا تبدیل کند و بهشت برود!



تا قدامین کار برای دکه داران، داشتن دکه ها حق مسلم آنان است

پیروز باد جنبش جهانی طبقه کارگر

طبقه کارگر جهان بر اساس شعار ویدان آموزگاران خود ما رگس وانگلس "کارگران جهان متحد شوید!" سرانجام به راهی او و کلیه زحمتکشان منجر شود. امری که صدر در بیوتیج خوا هدنیوست.

در هفته گذشته جنبش کارگری در لهستان به اوج خود رسید. خبرگزاران اروپا خواهی کارگران اعتصابی در "ورشو" را افزایش دستمزد، ساعات کار و کمترین دستمزد شوراها را کارگری ذکر کرده اند (آیا همین خواهی شما بهتر از هر چیز دیگر روی بیونیستی را - که بدروغ سنگ نما بندگی طبقه کارگر را به سینه میزند - روان می کند؟) همچنین کارگران که از بحرانهای اقتصادی و گرانسی هزینه زندگی و سیاست های بورژوازی احزاب رویز - بیونیست حاکم به سنگ آمده اند خواستار آرتندکده نما بندگانسان را با بدخواهانتخاب کنند و "نمایندگان" فرمایشی و تحمیلی از جانب دولت را نمی پذیرند.

جمعه ۲۴ مرداد خبرها حاکی از شرکت ۵۰ هزار کارگر در اعتصابات ورشو (لهستان) بوده است. این اعتصابات که عمدتاً در بخش حمل و نقل صورت گرفته به کارمندان کارخانه ها و سرویسهای نقلیه در آن ناحیه لطافت زیاد وارد آورده است.

ما میگوئیم اطلاعات بیشتر و محبتر از آنچه در اخبار خبرگزاران آمده است بدست آورده و با تحلیل آنها، رفتاری کارگر و دیگر زحمتکشان را در جریان این مبارزات قرار دهیم.

در هفته گذشته ما جدا و جگری جنبش کارگری در کشورهایی بودیم که سیاست تحت حاکمیت رویزیو - نیستیها قرار دارند. اهمیت جنبش کارگری در اینگونه کشورها بسیار زیاد است و اگر بدستی رهبری شود مرحله تازه ای را در مبارزات تاریخی طبقه کارگر جهان می گشاید و شکست نهایی بورژوازی را که در مرحله ای از تاریخ بدون احزاب کارگری و کمونیستی رخ نه کرده و خواست جنبش طبقه کارگر را از درون منفرجه زدن تسریع می نماید، مبارزات طبقه کارگر در کشورهای تحت سلطه رویزیونیستی امری مبارک و امیدبخش است.

در هفته های پیش همزمان با مقاومت قهرمانانه و حماسه آمیز کارگران معدن در بولیوی و مبارزات در ایالات متحده، همزمان با گسترش اعتصابات در کشورهای سرمایه داری غرب و نیز کشورهای دست نشانده آنان در مناطق دیگر دنیا اخباری نیز از اعتصابات کارگری در چندین شهر شوروی سوسیالیستی می رسد. اینها همگی یک دوره شکوفا می را برای جنبش کارگری و کمونیستی در سطح جهان نوید میدهد. طبقه کارگر ایران که خود در حال مبارزه دائمی با سرمایه داران و عمال امپریالیسم بر میورد و قهرمانانه علیه دشمنان خویش می ستیزد و به پیش می رود، ارزش جنبش کارگری در سطح جهان بی نهایت خوشحال است و امیدوار است (و در این راه مبارزه میکند) که وحدت



اعتصاب کارگری در لهستان

جلوه های از مبارزه بر علیه استثمار در کشورهای رویزیونیستی

هفته های پیش موج سنگین اعتصابات کارگری، چندین شهر کشور رویزیونیستی لهستان را فرا گرفت. روز جمعه ۲۸ تیر، ابتدا کارگران حمل و نقل و کارمندان راه آهن در شهر "لوبلین" در منطقه شرقی لهستان به علت کمبود دستمزد و افزایش هزینه های زندگی اعتصاب کردند. آنها اعتصاب علاوه بر چندین کارخانه کوچک، به کارخانه های بزرگی در شهر "چلم" در مرز شوروی و در "کروسکین" واقع در ۳۲ کیلومتری "لوبلین" نیز کشیده شد. بدینا ل آن، علاوه بر اعتصاب کارگران یک کارخانه بلیزینگ سازی در شهر "گراسینگ"، کارگران برق، رانندگان اتوبوس و نامه رسانان لوبلین نیز دست از کار کشیدند. همزمان با اعتصابات فوق، کارگران کارخانه های هواپیما سازی در "میچ" واقع در جنوب لهستان، اتومبیل سازی "اف.اس.ا" و "درورشو، تلویزیون سازی "زنوس" و دو کارخانه پارچه بافی در "زیرادو" نیز اعتصاب نمودند. انگیزه اصلی تمام این اعتصابات، بی پایان بودن دستمزدها و بی پایان بودن سطح هزینه زندگی و شرایط طاقت فرسای کار بود. مطبوعات رویزیونیستی و سازماندهی لهستان، بعد از سکوت شیطانه میز چند روز خود در مورد اعتصابات کارگری اخیر اعلام کردند که متوقف شدن کارها!! (بخوان اعتصابات کارگران - پیکار) بخاطر اعتراض به شرایط کار و افزایش قیمت گوشت (بخوان استثمات روحیانه با دستمزد کمتر، شرایط کارگاه کار تورم گرانی، افزایش هزینه زندگی در کشور رویزیونیستی - پیکار) می باشد.

در برخورد به اعتصابات کارگری اخیر در لهستان دو نکته حائز اهمیت است:

۱- در نظریه "شوروی و اروپای شرقی" به ما سه اردوگاه سوسیالیسم

اعتصاب کارگران بخشهای مختلف صنعتی و تولیدی و خدماتی در لهستان منتهی محکم دیگری برده ان خائنین به ما رگسیسم - نسیم و دشمنان دوست نمای طبقه کارگر و همچنین باخ دندان شکنی - آن دستجات و گروه های دنباله رورویزیونیستی است که با تبلیغ و ترویج در مورد "اردوگاه سوسیالیسم" گدازایی خود، بر ما هیت استثمات کارگران احزاب و دولت باسی نظیر حزب و دولت رویزیونیست لهستان و... پیورده سائرمی افکنند و فدا انقلاب را انقلابی قلمداد میکنند رویزیونیستیهای وطنی، نظیر حزب ورشکسته تودو کمیته مرکزی سازمان جریکیهای فدا می خلق (اکثریت) از سوسیالیسم و جریانی متزلزلی نظیر "راکارگر"، "ازسوسی دیگر، از جمله کسانی هستند که سنگ به اصطلاح اردوگاه سوسیالیسم را به سینه می زنند! اردوگاه که علی رغم اباطیل ارتجاعی دستها ول و یافته های رویزیونیستی دستمزد، مبارزه طبقه ای شدت در آن جریان دارد. مبارزه ای که اعتصابات کارگری اخیر در لهستان از جلوه های بارز آن می باشد. راستی چگونه ممکن است در کشوری "سوسیالیستی" که بی عزم رویزیونیستیها دولت "کارگری" در آنجا حاکم است کارگران بخاطر کمبود دستمزدها، گرانی، تورم و بی پایان بودن سطح زندگی، و نیز شرایط طاقت فرسای کار، برای افزایش حقوق خود و بهبود بخشیدن شرایط کار، دست به اعتصاب میزنند؟! می توان گفت که این جنبش کشور "سوسیالیستی" تنها برای خائنین به ما رگسیسم و نوکران بورژوازی همچون حزب خائنان توده و همپالکی هایش، در حاکم بهشت برین است نه برای کارگران و زحمتکشان و کمونیستهای راستینی که برای ایجاد جامعه ای سوسیالیستی و خائنین از استثمار، بر علیه بورژوازی کسور خودی و امپریالیسم جهانی قهرمانانه مبارزه میکنند.

علل عمده این اعتصابات در استثمات بربرحانه طبقه حاکمه نهفته است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه ای نیز جز تورم اقتصادی، با افزایش قیمتها و سطح زندگی افزایش مالیاتها، بی پایان بودن دستمزدها و شرایط طاقت فرسای کار نمی تواند باشد.

بدیهی است که بی عزم رویزیونیستیها، اعتصاب در کشور "سوسیالیستی لهستان" امری غیر منتظره بنظر می رسد و احتمالاً آنرا کار خدا نقلاب جهانی و مائوئیست - ها! می دانند. اما اعتصاب مبارزه واقعییتی است که در کشورهای رویزیونیست و سرمایه داری اروپای شرقی بنحویز بی چشم می خورد و علی رغم ادعاهای رویزیونیستیها مبنی بر "بهشت سوسیالیسم" در شوروی، لهستان و... کارگران و زحمتکشان این کشورها تحت همان مناسبات استثمارگرانه ای بسر می برند که در کشورهای سرمایه داری غربی وجود دارد.

بدینا ل غلبه رویزیونیسم در حزب و دولت کشور - های شوروی و اروپای شرقی احزاب رویزیونیست این کشورها بنا به ما هیت بورژوازی و فدا انقلابی - شان، سرعت دستاوردهای انقلابی پرولتری و دولتیهای کارگری را که خونبهای هزاران کارگر و زحمتکش بود، زیرتاخت و تا خود قرا ردا داده و شروع به ایجاد زمینه های رشد و تحکیم مناسبات سرمایه داری نمودند.

استقرار این مناسبات استثمات کارگران نمی توانست مبارزه طبقه ای پرولتاریا و دیگر زحمتکشان و رشد این مبارزه را بدینا ل نداشتند. طبیعی است که استثمار کارگران و زحمتکشان تحت پوشش سوسیالیسم، در این جامع نمی تواند بدون واکنش طبقه کارگر ادامه یابد. چرا که بمبارات افزایش شدت استثمات و روشهای طاقت فرسای کار و زندگی مبارزه طبقه کارگر نیز رشد می یابد. بدینا گونه که، ما اکنون با موج شورش و اعتصابات کارگری در شهرهای مختلف لهستان روبرو هستیم.

۱- ریشه ها و علل اعتصاب

این ریشه ها و علل در کشوری که عنوان سوسیالیسم را یدک می کند، را بطه ای تنگ تنگ با حاکمیت مئسی رویزیونیستی در حزب به اصطلاح کمونیست لهستان و دولت و استقرار حاکمیت بورژوازی و مناسبات سرمایه داری در این کشور دارند.

بدون شک در کشورهایی نظیر لهستان این اولین اعتصاب کارگری نیست. چرا که چند سال پیش نیز، موج اعتصابات کارگری، لهستان را فلج ساخته بود.

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون پایه‌های شیخ محمد منتظری (۲)

قسمت اول از مصاحبه ما با رفیق تراب پیرامون دروغها و آنها تا کی که شیخ محمد منتظری در مجله پیام انقلاب (ارگان سپاه پاسداران مورخه ۷ مرداد) علیه رفیقی ما مطرح کرده در شماره گذشته پیکار خوانند پس اینک ادامه مصاحبه:

سوال: آقای منتظری گفته است: "تراب حق شناس که تا بربروز این طرف و آن طرف می‌دوید، بعد کم کم سرازم تروپ الکلی درآورد، و در اروپا به کشت و گذار رفت و تمام مباحثی که در این ارتباط بود تدمرها به این وادی غلطانید (۱) شما چه می‌گوئید؟

جواب: من از او و امثالش که در صف مسائل نیروهای انقلابی، کارگران و زمینکنان فرا گرفته اند تومعی جز اینگونه‌ها لایحه را ندانم اما ما حقیقت قضیه این است که طرف و آن طرف دویدن من چگونه بوده است؟ همانطور که قبلاً اشاره کردم من بعنوان یک وظیفه انقلابی و تشکیلاتی جهت تدارک آموزش نظامی مجاهدین و سواست با انقلابیون فلسطینی جزء یک هیات سه نفری (با شهید رسول مشکین قزوینی و رفیق دیگر) در اوایل فروردین ۴۹ از طریق خلیج فارس و بطور قاچاقی به خارج کشور رفتم. نداشتن اسلحه و وسایل ما و هم‌زمان منجر به استقرار هیئتهای اعزامی مجاهدین در پگاههای فلسطینی در اردن و سپس در سوریه و لبنان شد. کسب تجارب نظامی و انقلابی و آموزش مجاهدین یک جنبه از فعالیت ما طی سالهای گذشته بود. جنبه‌های دیگری از شهریور ۵۰ سید پیمان را آنکه دهه‌ها تن از اعضای سازمان به‌زندان امانت‌دند شروع شد. ما همگی فرا برودنده ایران بگردیم ولی آن فرسوده‌ها در آستانه جشنهای شوم ۲۵۰۰ ساله وقوع بیوست موجب شد که مرکزیت سازمان به من، رفیق حسین روحانی و مجاهد شهید محمود تاحی و یکی دوشه دیگر دستور دهد که برای اشنای رژیم و فعالیت ما در جاسوسی و تبلیغی و حفظ هسته‌های سازمان در خارج کشور، موافقت در خارج بمانیم. ما (با همسازان استثنایاتی که گفتم در درون یک سازمان خلقی غیربرولتری داشتیم) دقیقاً در رابطه با نیازهای سازمان در داخل کشور و مبارزات خلق علیه رژیم‌ها و اروپایان امیرالست و میکوشیدیم تا از کلیه وسایل و امکانات موجود استفاده کنیم در همین رابطه بود که با عناصر نیروهای مترقی ایرانی، چه مذهبی و چه غیرمذهبی و بر اساس تحلیل و شناختی که از آنها داشتیم همکاری میکردیم و با آنها در تهیه برنامه‌های افشاگرانه و آموزش انقلابی از طریق رادیو (بخشی فارسی رادیوی بغداد، رادیو صدای انقلابیون ایران، رادیو سورس و رادیو میهن پرستان و صدای روحانیت مبارز) مشارکت فعالانده داشتیم. اعلامیه‌ها، کتابها و نشریات سازمان را چاپ و پخش میکردیم و مقادیری را هم چاپ معمولی با چاپ ریزنده‌ها ساز کرده‌بیم داخل مفرستاندیم. ما در سازمان ندهی بخش وسیعی از

دا نتجویان ایرانی مترقی خارج کشور نیز فعال بودیم و از طریق آنها هزاران نسخه از اعلامیه‌ها و نشریات ما و دیگر نشریه‌های انقلابی در سطح جهان چاپ و پخش می‌شد فعالیت‌های اعتراضی و افشاگرانه متعدد برپا میگشت. ما با انقلابیون فلسطینی و عمانی و بسیاری دیگر از سازمانهای راهائی بخش یکی دیگر از وظایف سازمانی ما بود. ما در حد امکان به آنان کمک میدادیم و از امکانات آنها برای تحرکات، آموزش نظامی و امکانات تبلیغی استفاده میکردیم که منجمله از بخش فارسی را در سوجه خلق برای آزادی عمان باید

رفیق تراب حق شناس:
"تاکید میکنم که قبول مارکسیسم از طرف من نه از سری اطلاعاتی از ایدئولوژی اسلامی بلکه دقیقاً با اطلاع از آن بود."

ما مبرده که در ۵ سال (از اردیبهشت ۵۲ تا بهمن ۵۷) ادامه داشت. رفقای ما در جنگ اردن (سپتامبر ۵۸ سال ۷۰) جنگ لبنان (در جنوب و در کره) جنگ در ظفار و در خدمت‌های نظیر هلال احمر فلسطینی و عمانی دوشادوش انقلابیون منطقه جنگیده و دواختراتی فراموش نشدنی از فدای کار و قربانان انقلابی را در خاطر انقلابیون فلسطینی، لبنانی و عمانی سرجای گذاشته‌اند. رفیق شهید ما رفعت، فراهام کنون در مرز ظفار و بهمن دمکراتیک در کناره‌های خلق عمان مدفون است.

خرید و ارسال سلاح و مواد لازم دیگر، تا میسن و انتقال کتابها و تجارب انقلابی به داخل کشور و تمام بندی سازمان در ششای بین‌المللی و بالاخره تحویل گرفتن رفقای که بدلیل بی‌سازمانی ایران خارج می‌شدند و عناصر انقلابی‌ای که به خارج کشور فرار میکردند و دواخترتا با سازمان بودند و نیز فعالیت‌های دیگر از جمله وظایف ما بود. طبیعی است این فعالیتها گرفتاریها و مسائلی مختلفی داشت که باید حل می‌شد. ما واک ما را حتی در خارج کشور تعقیب میکرد. رژیمهای ضد انقلابی که سران منطقه را تحت کنترل داشتند و با رژیم‌ها همکاری را برابری و روابط حسنه بودند بسیاری ما در سرهای فراوان بسیار می‌آوردند. رفقای ما بارها در لبنان، سوریه، عراق، ترکیه ما دستگیر شدند یا از جنگ پلیمس فرار نمودند. ما چندین نفر از رفقای خود را در همین راه ارتباط داخل با خارج از دست دادیم که در مرزهای دت رسیدند، رفقای مرتضی خاموشی، حوریه بازرگان، حبیب جابجی که در مرز ایران و ترکیه به شهادت رسیدند و آنرا از جمله اندامهای گرامی ما دانستیم. تلاشهای مادر خارج کشور علیه رژیم‌ها تا سال ۵۲-۵۴ در درون یک سازمان غیربرولتری انقلابی صورت میگرفت و پس از آن نیز با تکرار در خارج و مسی چریکی انجام میپذیرفت در خدمت انقلاب و در خدمت خلقمان بود و در مقایسه با سطح مبارزه و فعالیت‌های که در منطقه ما و در میان نه‌جریان داشت و از کیفیت خوبی برخوردار بود.

"تودولتانی" از نوع آقای منتظری امروز، درماندگی خودشان و بسیاری از سران فعلی رژیم جمهوری اسلامی را "فرا موش" می‌کنند و برای توجیه وضع کنونی شان یا برای خودتاریخ دروغین می‌سازند که اگر بخوانیم نمونه‌های پیش‌رومان را بزنیم درازا خواهد کشید و با بلجن برآکتی علیه نیروهای نظیر ما می -

بردا زندگان با زشت نشان دادن چهره‌ها ما که از چهره کربه خودشان فرو نیفتند. آقای منتظری، تلاش‌های چندین ساله بخش خارج از کشور مجاهدین و سپس بخش منشعب از آن را که بنا به وظیفه تشکیلاتی و انقلابی‌ها در کشورهای منطقه، در مرزها و پگاهها و مطبوعات و رادیو و تئاتر و سایر سیاسی و دیگر زمینه‌های مبارزاتی به فعالیت انقلابی مشغول بودیم و بنوبه خودمان در امر پخش و پراکنش انقلاب بوده‌های مستعدیده خلقمان و انقلاب منطقه انجام وظیفه میکردیم و مشقتها زندگی مخفی و تعقیب و زندان و شکنجه و شرکت در جنگ و شهادت را تحمل میکردیم. این دروآن در رفتن و گشت و گذار در اروپا می‌نماید. زهی بیشرمی!

او در ادامه دروغهایش، مرا که در آن زمان بنا به اعتقادات سنتی و برداشتی که از اسلام داشتیم خود را موظف به اجتناب از "حرام" میدانستیم و بعدها نیز پس از قبول مارکسیسم لنینیسم به احترام سنت رایج بین انقلابیون میهنمان از هرگونه مشروب الکلی اجتناب کردم گرفتار! "مشروبات الکلی" می‌نماید که تازه و قبحنا نه‌اداعی می‌نماید که کسان دیگری را هم به این راه "غلطانده" ام! خطاب به ایشان می‌یاد گفت: آقای قبیله زاده! مطمئناً این دروغ بزرگ، ناشی از اختلال حواس نیست. شما با آگاهی کامل "حقاقت" را سستی خود را با این ترتیب نشان میدهید! واقعاً که خیلی سریع بنفع ضد انقلاب استحاله پیدا کرده‌اید!

سوال: محمد منتظری در جای دیگر گفته است که شما (در سال ۵۴) دلیل پذیرش مارکسیسم لنینیسم از طرف خودتان را برای او چنین توضیح داده‌اید که محدودیتهای جنسی موجب این کار بوده و با مارکسیست شدن، دیگر آن محدودیتهای وجود ندارد. (!)

جواب: این نه فقط ما لیخولیا یکی ذهن مریض بلکه نشان‌دهنده طبقه‌ای است که هر کس در صف دشمنان طبقه کارگر قرار بگیرد نسبت به کمونیستها از خود پرورز میدهد. اینرا بگویم که برای منتظری و امثال او مارکسیست شدن ما بسیار دردناک و دردناک بود. شکستی بود که خواش را هم نمیدیدند. آنها همواره ادعا میکردند که کمونیستها از اسلام چیزی نمیدانند و اگر میدانستند به اسلام می‌گرویدند و حدیث "لو علموا معالم آثارنا لاتحونا" بخاطرشان می‌آمد. اما وقتی دیدند که بسیار پیش از ایشان و حتی بزرگترها شان - اینرا دقیقاً و بدون مبالغه می‌گویم - قرآن را مطلقاً لایحه کرده بودیم و آنرا تقدیر زنده و مترقی نشان میدادیم و البته به غلط نتیجه می‌گرفتیم که اسلام "به احتیاجات واقعی هر عصری پاسخ میدهد" (!). ما که هیچ ابلاغه را آنقدر میدانستیم و در تفصیرو تفسیر آن (بعقیده خودمان در آن موقع) او را بدیدیم که حتی آیت‌الله خمینی را هم - بقول خودشان - به تعجب می‌انداخت (۱) و بارها شد که در مدرسه سید کاظم بزدی (نجف) وقتی به مناسبتی قرآن و بیان نهج البلاغه را برای چندتن از طلبان منجمله آقای دعا می‌تفسیر میکردم بر چیزی نشان می‌آورد و کلمه‌ای جز احترام نسبت به ما ندا شنیده بطوریکه یکی از آنها خود را در برابر ما "لنگه کفشی در بیابان" معرفی میکرد. آنها میدانستند که من طی سال تحصیل در حوزه قم بقیه در صفحه ۱۵

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را ایرحمانه افشا میکنند، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و رویونیستها از او بدریغ حمایت میکنند

بقیه از صفحه ۳

قانون ...

این بار چه زربافت را از زوری واقعیات کننا رمزینیم تا آنچه که در درون اوست نمایان تر شود.

رژیم برای حفظ وجهه خود از مدتها قبل در حرف ، بوسیله دستگا های تبلیغاتی تیش کارگران و نمایندگان آنها را برای تدوین آئینا مه شورا ها دعوت به همگاری میکرد و چه بظا هردمکراتی بخود میگرفت ما در عمل ما هیت ضد خلقی خود را درسی توجهی به نظر توده های خلق و پاسداری از منافع سرما یه داران به نما ییش گذاشت ، نمایندگان واقعی و کارگران مبارز هیچگونه دخلتی در تدوین چنین آئینا مه ای نداشته اند . واضح است که این آئینا مه در اظا قها ی درستی و بوسیله کارشناسان سرما یه داری و شایه دیر خسی از نمایندگان خود فروخته نوشته شده است و به اضا ی بنی - صدر ، رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب رسیده است و این در حالست که درست چند هفته قبل از این بنی - صدرفریاد میزد ، "شورایی شورا" بنی صدر که متوجه شده نمیتواند کارگران را از داشتن تشکیلات خود منع کند از دردیگری و آرا شده و چنان لایحه ای را تصویب میکند که شورا ها را از درون خالی کرده و آنها را به آلت دست دولت و سرما یه داران تبدیل نماید .

آئینا مه شورای کارکنان (یعنی شورای کساز تمام کارکنان یک شرکت اعم از کارگر ، سرپرست ، فورمن کارمند ، مهندس ... و مدیریت تشکیل میشود) با مصالاح اتحاد را تبلیغ میکنند و به قولی میگویند همه با هم برادرند! اما کارکنان با رها و بارها در مبارزات خود دیده اند که سرپرستها ، فورمنها ، کارمندان و مهندسیان یک کارخانه اگر طرفدار کارفرما هم نباشند ، اگر به آلت دست کارفرمایان هم تبدیل نشده باشند هیچگاه در مبارزه علیه سرما یه داران استواری و پایداری کارکنان نیستند و عموما در یک مرحله ناگهان از مبارزه دست میکشند و کارکنان را تنها گذاشته و سازش میکنند نفوذ و وجود این افراد در تشکیلات کارگری (شورا ها) مبارزات پیگیری و نقلی کارکنان را دچار ارتزلزل خواهد کرد بنا بر این اعضا و نمایندگان شورای کارگری می - بایست از آگاهترین و انقلابیترین کارکنان تشکیل شود ، چنین شورائی قادر است که حقیقتا از منافع سایر کارکنان یک موسسه یا کارخانه نیز در مقابل سرما یه داران زالمصفت حمایت نماید و یوا جدا گشت آنچه سایر کارکنان اگر به لزوم تشکیلات مستقل خود برسند می - توانند افرادی از میان خود بعنوان اعضاء شورا انتخاب کنند و شورای خود را تشکیل دهند که در این صورت شورای کارگری با شورای کارکنان دیگر همکاری خواهد نمود ، البته با توجه به این مسئله که قدرت اصلی تر کارخانه بید دست شورای کارگری باشد .

اما ببینیم رژیم با تبلیغ شورای کارکنان چه هدفی را دنبال میکند؟

ماده ۴ آئینا مه تشکیل شورا های اسلامی میگوید : "جمع کارکنان از کلیه کارکنان ناغل هرواحد در سطوح مختلف از کارگرساده تا مدیریت تشکیل میشود . و در ماده ۳ انتخاب اعضاء شورا ، تصویب اساسنامه رسیدگی و اظهار نظر نسبت به گزارشات شورا را جزء وظایف جمع کارکنان میکند ، یعنی آنچه مدیران کارخانه ت نیز بایبند در انتخاب شورا حق رای داشته و در تصویب اساس

نامه و غیره دست داشته باشند . ما میبوسیم مگر ایسندیران چه کسانیهستند ؟ مگر نه آنچه آنها یا خود سرمایه داران دنیا آنکه اجرا کنند و امرو دستورات سرمایه داران هستند ما میبوسیم مگر نه آنچه کارکنان بایبند حق و حقوق اقتصادی خود را از همین مدیران بگیرند و مگر نه آنچه کارکنان شورا تشکیل میدهند تا بوسیله آن بتوانند علیه مدیران و سرما یه داران که بلاشک جزء دشمنان طبقه کارگر محسوب میشوند مبارزه کنند پس منظورا از رای دادن مدیران به شورا چیست ؟ بجز آن است که عوامل دست نشاند خود را و اردشورا کنند و شورا را از درون خالی نمایند ؟ بله این است یکی از خواسته های رژیم جمهوری اسلامی ، خواهسته ای که مستقما علیه کارکنان و تشکیلات آنهاست و تا زه این شروع کار است چون حق رای دادن که هیچ ، رژیم حتی میخواهد کاری کند که خود مدیران عضو شورا هم باشند ، اصل ۱۰۴ قانون اساسی میگوید : "به منظور تامین قسط اسلامی همکاران (!!) در تهیه برنامه ها و ... شورا ها ئی که مرکب از نمایندگان کارکنان و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران ... تشکیل میشود" و با در ماده ۷ بندب خیلی واضح تر مقصود خود را بیان میکند : "شورای اسلامی کارکنان میبایست حتی الامکان در سر - گیرنده تخصصی مختلف بوده و همچنین از زده های مختلف اعم از کارکنان ساده و مدیریت در شورا عضویت داشته باشند ، رژیم برای پیشبرد اهداف خود بوضوح بیرون دنا گسستن این را با سرما یه داران نمایان می - سازد و پیشترمانه شیشه خون آلود خود را بر شورا ها ، اسن دستاورد پیرارزش قیام فرود میاورد ، نفوذ مدیران در شورا ها یعنی نفوذ دشمنان کارکنان در شوراها ، در این سنگر گیری رژیم جمهوری اسلامی دست در دست سرما یه داران و امپریالیسم در ستقر مقابل قرار گرفته است و بد رستی قدرتمندترین دشمن خود را کارکنان و زحمتکشان تشخیص داده است ، و بهترین راه و اواز آوردن ضربت خود را بر کارکنان و دهقانان نفوذ در درون تشکیلات آنها یافته است و در این راه این قانون سرما یه داری است که به کمک آنها می آید و دست آخر برای آنچه این عمل خود را اپوئانی کند و وجهه ملی و اسلامی و بشردوستانه به آن ببخشد ، نام این عمل را هم کاری و همبستگی میگذارد ، چنانکه در ماده ۴ می - افزاید : "شورای اسلامی کارکنان از سنین کلیه کارکنان و احدا اعم از کارگرساده تا مدیران (!!) انتخاب و منظور تا همین قسط اسلامی و همکاران در تهیه برنامه ها و ایجاد هما هنگی در پیشرفت امور ۱۰۰۰ یجا در وجه مشورت ، همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان و ایجاد خود - کفا ئی اقتصادی (!!) و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکند" ، این همان قل و زنجیری است که در باره زربافت بیجیده اند ، نفوذ مدیران ، کار - ندان و سرپرستها در شورا های کارگری منظور همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان (در حقیقت به منظور از همپاشیدن تشکیلات کارگری) این همان عملی است که با عنت "تحکیم مبانی جمهوری اسلامی" میشود ، بلی که ملا درست است ، تحکیم مبانی جمهوری اسلامی بستگی به آن دارد که سرما یه داران و عوامل آنها هر چه بیشتر در تشکیلاتی کارگری نفوذ کنند و آنها را داخل ملای سازند ، بستگی به این دارد که قدرت توده های خلق که در تشکیلاتی آنها تجلی یافته بودند ، و ایسند

درست همان چیزی است که امپریالیسم خونخوار مدتها است انتظار آنرا میکشد و بوسیله ای دی خود چه در هیات خاکمه و چه در خارج از آن این هدف را دنبال میکنند اینجاست که منافع امپریالیسم چپا نخواه بگساده داخلیش یعنی سرما یه داران و دولت آنها در هم گسره خورده است و سنگر وادی را تشکیل میدهند و اینجا است که رژیم جمهوری اسلامی جا همه فکن امپریالیسم چپا نخواه راست .

تا زه موضوع به اینجا ختم نمیشود ، احتیاج به ماده و بند و تبصره و تفصیلاتی است که این نفوذ را تا عمق شورا ها ادا میدهد ، ماده ۸ لایحه میگوید : "به منظور گسترش مشارکت عامه مردم در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و ایجاد روحیه همکاری هر چه بیسترتان در اداره امور خود و افزایش احساس مسئولیت پذیری مردم در حفظ و پاسداری از انقلاب شورا ای اسلامی کارکنان بایبند نماینده خود را در مدیریت معرفی کنند ، و در واحدهای کوچک بعنوان عضو رابط و در واحدهای بزرگ بعنوان عضو رابط یا عضو هیئت مدیره" ظا هر زیبا ئی دارد ! نماینده کارکنان بایبند در جلسات هیات مدیره شرکت کند ، از تصمیمات آنها با خبر بشود ، و کارکنان را در جریان امور قرار دهد ، ولی وقتی بقیه آئینا مه را مطالعه کنیم این ظا هر زیبا کننا رمزینیم ما هیت آن خود را نشان میدهد ، در بند ۳ وظایف عضو رابط میگوید : "جلب همکاران از کارکنان در جهت اجرای صحیح تصمیمات مشخصه در مدیریت" یعنی آنچه وظیفه عضو رابط آن است که کارکنان و کارمندان را به اجرای صحیح تمام آن چیزی که هیئت مدیره تصمصیم گرفته است و ادا سازد ، یعنی نماینده شورا به چما ق سرکوب کارکنان تبدیل شود ، نماینده شورا موظف است که تصمیمات هیات مدیره را بدرستی اجرا کند .

پوزش و تصحیح

در شماره ۶۶ صفحه ۶ شعری از رفیق شهید احمد مودن آمده است که تقریبا ریو دبا دستخط خود رفیق چاپ شود ولی متاسفانه عین دستخط چاپ نشده است ، ضمن پوزش آن را در مجموعه یادنامه شهیدان خواهیم آورد .
تصحیحات ضمیمه ۶۶

صفحه ۲ ستون ۱ با راگراف ۲ سطر ۲ : بجای "شبه تولید سرما یه داری در جا معده است" ، "شبه تولید سرما یه داری و بسته در جا معده است" ،
صفحه ۲ - ستون دوم با راگراف دوم سطر ۱۵ : بجای "عملکرد سرما یه مالی امپریالیستی" ، "عملکرد سرما یه مالی" آمده است .

ستون سوم سطر نامه آخر : "بخوان با انحصارات امپریالیستی و احیاناً سرما یه های انحصاری وابسته" درست است که کلمه امپریالیستی جا افتاده است .
صفحه ۳ ستون ۱ با راگراف دوم سطر ۷ : "در عین حال خرده بورژوازی - منهای بخش محافظه کسار و ارتجاعی آن" درست است که بخش جا افتاده است .

صفحه ۵ ستون دوم با راگراف دوم ، سطر نامه به آخر ستون : "بیا نگر خرده بورژوازی یعنی میانگن طبقه سیالی است که ... بجای کلمه سیالی اشتباه سیالی تایپ شده است .

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بقیه از صفحه ۴ مبارزه ...

سیاست‌های جدید ضد شورایی و ضد کارگری هیئت حاکمه را در صنعت نفت هر چه بیشتر افشا کنیم!

علیه‌س ما نده‌های رژیم گذشته و تا به تازه‌ای یافته است. همچنین درگیری‌های بین جناح‌های مختلف هیئت حاکمه و تا تیر آن در درون صنعت نفت و انجمن اسلامی آن و به هم خوردن سیاست‌ها و برنا‌ها و رژیم برای کنترل و تضعیف شورا و به انحرفش کردن مسازات کارگران و کارمندان و همه‌همه‌ها وضع را تغییر داده است.

رژیم دیکتاتورانه گذشته بر شورا تسلط نداشت و اینک مجبور است به کل آن لگد بزند و آنرا از سر راه خود بر دارد. سیاست نفوذ در درون شورا و به انحرفش کردن آن سیاست‌ها را بدین‌ها می‌بوتید، ریش گذاشتن و تسبیح بدست گرفتن و ادعای مسلمانی کردن دیگر سپری شده است. شورا اینک موی دماغ شده و با پیدایش جلیوی پا برداشته‌شود. به همین جهت است که رژیم تا گزیر ما سک فریب از چهره برداشته و دیگر درگیری‌های درون صنعت نفت را دعوی بین اسلام و کفر نمی‌داند و آشکارا با کل کارگران و کارمندان در افتاده و در این رابطه است که تصمیم گرفته‌شود حال خود را از چا نب شورا راحت کند.

معین فرطی بخشنا‌های که بدینا سبب انتصاب شماسی ما در کرده از وی میخواهد با کسانیکه "بافتت" - طلبی بصورت چهره‌های انقلابی نقش خدا انقلاب را بازی می‌کنند" مقابله کند. (تا کید از ما ست.)

اولین تعرض شماسی علیه شورا اینگونه آغاز می‌شود: دبیر شورا به اتفاق ۵ نفر از نمایندگان شورا ی تعميرات ما راون شرق تا حکم شماسی معلق میشود. اما چرا اینها چیست؟ شورای تعميرات شرق اهورا زبسه قویتر عنصر سرسپرده رژیم به پیشان اجازت ندادده است که آزادانه دست به انتخاب بزنند و شماسی باید بدیتی که دارد میداند از چه کسی با بد دفاع کند و چا چکی در بیفتد و تا زاین آغاز حرکت است! امروز اخرج نما بینگان شورا، فردا اخرج غیر مسلمانان صنعت نفت و بعد ...

کارگران و کارمندان مبارز صنعت نفت!

سیاستها و اهداف تازه رژیم را افشاء کنید و واقعیاتی که پشت تغییر و تحولات اخیر خوابیده است، برای کارکنان صنعت نفت با زگو کنید. شماسی‌ها، تندگویی‌ها را به کارکنان صنعت نفت بشناسانید و اهداف آنها را در رابطه با توطئه علیه شورای صنعت نفت، اخرج نما بینگان انقلابی و... بر ملا زید. از شورا‌های خود بخوا هید تا هما نظور که تجربه دفته نبیل نشان داد با برگزاری مجمع عمومی و مراجعه به توده‌های کارگروکارمندان، نظرات انقلابی شما را پیش ببرد. بسا دانه‌ها شید که تنها مجمع عمومی می‌تواند شورا را از داسی که عنا صرا زگا ربرای آن گسترده اند بر خردارد. مجمع عمومی میتواند شورا را تحکیم کند و با قوت گرفتن شورا از نیروی کارگران و کارمندان بوسیله مجمع عمومی و حمایت کارکنان دیگر، هیچ نیروی اقا از به مقابله با آن نیست.

تب و تاب مبارزه کارگران و کارکنان صنعت نفت علیه س ما نده‌های رژیم به پیشان همچنان زنده مانده و این در حالی است که دیگر ما سک فریب و نرسنگ از چهره رژیم جمهوری اسلامی دریده شده و سراسر سیساری معلوم گردیده که این رژیم به دربی تا من منافع کارگران و زحمتکشان بلکه ما سا در جهت مسازای هان سیستم گذشته (سیستم سرمایه‌داری وابسته) قدم بر می‌دارد.

بدینا ل تضعیف برخی از عوامل وابسته به رژیم ما بی در صنعت نفت اهورا زکه توسط شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهورا زنا محارفات و پستی‌بانی وسیع کارکنان را سهرامداشت، معین فروریزت شماسی اسن کینه لبرال رسوای صنعت نفت را سه سم ریاست اده را مطلق نفت خیزکما رد و به او اختیارات زیادی واگدا کرد.

شماسی که بهیئت مسافرت با زرگانی به منا طوق تعمیراتی سدنیال بند کردن خود به هیات ویژه اما مسودتا در تقسیم غنا شمسهای صنعت نفت چاشی برای خود دست و پا کند، بعدا سدا ستا نیوسی مدنی جلا د رحمت و مدنی به سمت معاونت در دفتر اوبه کارگمارده شد. وی استک با مرا گرفتن در را س ادارات صنعت نفت به آرزوی دیرینه خود رسیده است.

شماسی زمانیکه خود شخما در شورای مرکزی حضور داشت شماسی کوششش را بر این بود که شورا را به عنسوان زاده دستگا هیا ی دولتی در آورد. وی همچنین مسی کوسیدتا با آب سوبه ریختن برسرها ت مدیره فنا سدا ز با کسای آنها جلوگیری نماید. او حتی در شورا اسناد با کسای عوامل رژیم به پیشان را به سرقت برد.

گذشته از شماسی، معین فرانتصاب دیگری هم کرده است. وی محمود اتندگویی را که زمانی در کمیته باصلاح با کسای هدست حیدری (هرا واه ای معروم) بود، اینک بجای سرکسیان به مدیریت مناطق نفت خیز منصوب کرده است.

تندگوییان پس از اسن اعصاب بلافاصله به جمع آوری عاصروا بسته به رژیم سابق می‌بردا زد و بیستهای حساب مدیریت را به آنها واگدا رمی نماید. مثلا وی "احسان نهرا سی" را که یکی از دست پروردگان کتیر- سپوم است و در ما گذشته توسط شورای مرکزی اخرج شده بود عنسوان مساورمینی خود سرگزیده است.

رژیم جمهوری اسلامی گذشته را س تغییر و تحولات و جا سجا بی‌ها، از آنجا که شورا را سدره خود می‌بشد انحلال آن را در دستور کار خود قرار داده است. اگر طی یکسال و نیم گذشته بر زمین نه توهم زیادی که کارگران و کارمندان اسن شرکت بست به رژیم دادا سند و آت را دولت منتخب خود میدانستند، سردمداران خاکم توانستند با استفاده از عواملی چون شماسی و ا رودسنا انجمن اسلامی شورا را به سزای کشانده و در جهت اهداف خود سمت وسود دهند، اینک این زمینه مشکل سابق وجودندارد. مبارزه کارگران و کارمندان جزء

آنها ابتدا ادعا می‌کنند که ما بین عده کمونیستند و آنگاه که نما بنده وزارت کار ستم می‌خواهد عصانی شده و می‌گویند: "آقا ما سندی نداریم، سوسیالیست آنها را طبق ماده ۳۳ اخرج کرده ایم!"

۲ - مراجعه بمطوعات (کپیها) اطلاعات و انقلاب - اسلامی)

۳ - کارگران اخرجی هر روز بطور مرتب در برابر در کارخانه اجتماع کرده و هنگام تعطیل شیفت کارگران برای آنان صحبت کرده و در مورد شورا و مدیریت به افشای می‌بردا زند.

در ضمن در این مدت چندین اعلامیه و تراکت از طرف نظریه‌های "بیک نساج" و "نساج مبارز" و همچنین یک اعلامیه مشترک از طرف این دو نظریه و "عده‌ای از کارگران مبارز" در کارخانه نوشین جلوی در آن در سطح وسیعی پخش شده است. کارگران برخلاف گذشته بیشتر اعلامیه‌ها را خوانده و آنجا هتا کرده و در جیب خود می‌گذارند. افشای گریبای کارگران مبارزان در درون کارخانه و پخش اعلامیه‌های افشاگرانه تا تیر خوبی روی کارگران گذاشته است. مبارزه کارگران اخرجی برای بازگشت به سرکار همچنان ادا مده‌ارد.

بقیه از صفحه ۱۶ پان ...

در دانه‌ها سنا فعالیت سیاسی اش را دشنا ل کرد. در آذر ما ۱۳۵۸ در رابطه با مسائل سیاسی - اندو لوتیک اهورا در سازمان شد. اسن به مسی راستین برولتاریا اکنون وظایف سنگینتری بر دوشش گذاشته‌شود. دیگر او می‌توانست در سازمان رنج و زحمت اهرمیه‌های انقلاب را ببیند. سوشن مسلم به صفوف دانشجویان اهورا در سازمان عا در آذر ما ۵۸ فعالیت سیاسی او را مدچندان نمود. مسلم دیگر تا مزندگی را وقف انقلاب کرده‌شود. خانه و زندگی را بر سزها گرد و با سکون در خانه‌های میدان غار سکا خود در میان توده‌های زحمتکشان وسیعی اسای داد. انضاط تنگنا سسی و سبتگا را در تلاشش زبانه‌ها رفا شای بود که با او کار میکردند. او در مدت کوتاهی سلیل استعداد سبویزه در امر شاسی با توده‌های زحمتکشان و جذب آنها بسوسی علم‌رهای طبقه کارگرو شراسعی در تشکیل دانسجوبیان اهورا دریافت.

سرا نجا بدینا ل یک وظیفه تنگنا سسی در تصادف با یک کمرسی (در سهره افرزاده کارگر) فلش که با عشق به سیکاری سخبوبی اسن در راه آزادی طبقه کارگرمی سندا زحرک با زاستاد. اما سیدا ست که راهن جا ودان اسب و پیدا ست که همه رفعا شای که با او در سبکا رهرا ه بود تا زاس علاقه و انضاط و سبکا ر فبق در سبای گرا نیبای آموخته اند.

با دشگری و راهن با سنده بساد!

بقیه از صفحه ۱۶ مردم ...

حاج ناصر و بیه‌نامه‌های منتشر کرده است. آخرین خبر حاکی است که دانه‌ها اصطلاح انقلاب با گرفتن ۵ میلیون تومان و شبقه، ساردیگر حاکی ساصرا آزاد کرده است ولی آبا زحمتکشان اسلام شیرای اسن دادگاه را تا شید کردن!

تا زمانیکه ۳۵٪ بر دست تمزدها افروخته نشده "سود ویژه" پرداخت باید گردد!

تداوم...

بقیه از صفحه ۱
بیکاری و کاهش ورکود تولیدات صنعتی و وضع وخیم سیاسی در جامعه نشان میدهد، تنها از طریق دگرگونی بنیانی نظام مطلق برجا معه با استقرار یک نظم نوین انقلابی امکان پذیر می باشد. و این نظم نوین نیز جز از طریق قرا گرفتن پرولتاریا و متحدان تاریخی اش یعنی تمام زحمتکشان در رهبری انقلاب میسر نمی باشد. انقلابی که با سرنگون کردن نظام سرمایه داری وابسته، با دموکراتیزه کردن حیات سیاسی کشور (سپردن حکومت بدست زحمتکشان از طریق تشکیل شوراهای کارگران، دهقانان، سربازان، و...) و راه را برای سوسیالیستی کردن تمام ممالک تولید جمعی هموار میسازد. این انقلاب تنها با اتکال به نیروی لایزال توده ها و بسیج تمام توده های فصول می تواند دنیا زهای تمام زحمتکشان را مرتفع ساخته و دشمنان زحمتکشان را چه عوامل فدا انقلاب داخلی و چه توطئه های خارجی فدا انقلاب جهانی را در نطفه نابود نماید. تنها چنین انقلابی قادر است نیروهای تولیدی را تکامل بخشد، استعدادها را شکوفا نموده و در جهت خدمت به خلق با رورسها خسته و به تریست و تشکل هر چه بیشتر پرولتاریا و زحمتکشان بپردازد و لحظه ای از منافع همه زحمتکشان و آگاه نمودن آنها به منافع تاریخی و طبقاتی غافل نگذارد.

بورژوازی نیز برای پایان بخشیدن به این بحران راه حل خود را در دومی خواهد از طریق بازسازی نهادها و بسط سیستم سرمایه داری وابسته، آنجا که یعنی رفرمها در چارچوب همین نظام ویا "مشروع" جلوه دادن سرمایه داری به بحران می که خود ذاتی سرمایه داری است خاتمه بخشد. شمش بورژوازی لیبرال قوی است و خوب می دانند تا زمانی که به بحران موجود اقتصادی و سیاسی پایان نبخشد نخواهد توانست سلطه خود را در قدرت سیاسی تثبیت و تحکیم نماید، و به همین دلیل نیز هیئت حاکمه کنونی بلافاصله بعد از قرا گرفتن در قدرت سیاسی در ۱۷ ماه پیش خواهان حل این بحران بتحو "خدا پستندانه ای" - بخوان به تفصیل سرمایه داری وابسته بود، گوش بیداری! با زرگان دربار زاری اقتدا در کشور در چارچوب سیستم سرمایه داری حاکم و بعد از آن فعالیت های شبه نه روزی بتنی صدر در دادها همان سیاست های ضد مردمی با زرگان انگرخواست این رژیم بورژوازی در حل و پایان بخشیدن به این بحران روبرو شده می باشد، اما هر خواستنی توانستن نیست، هم اکنون بحران ناشی از سرمایه داری وابسته بدلیل شدت بوسیدگی این نظام و تداوم همین بحران در چند سال گذشته موجب شده که این بحران عمیقاً در تمام نهادها اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ریشه دوانده، رشد و گسترش یابد. بعلاوه توده های ستمدیده زحمتکش و قهرمان ما نیز که سالیان متما دی در بدترین شرایط و در فقر و سیه روزی زندگی کرده اند و با میا رزات قهرمانا نه خودی رحمتی و خونخوارترین قدرت سیاسی را به امق تاریخ سپرده اند و بدیگری بفرمیا ی بنی صوری در دستر همان سیستم سرمایه داری وابسته تن در نمیدهند، حدت بحران موجود و خواست انقلابی توده ها باعث شده که هیئت حاکمه با آنکه "خامت اوضاع" را درک می نماید ولی هر روزنا توانا زبیش در راهیک برنا مه و سیاست

کار سازان دریا یا ن بخشیدن به بحران موجود است. بهمین دلیل است که سرپرست برنا مه بودجه صریحا اعلام می کند که "برنا مه در آمدت به علت توافقی رهبران کشور، آرماتنا و هدفهای اسن جمهوری غیر قابل تهیه است و برنا مه کوتاه مدت تابع جریان است روزی باشد." - کیهان ۳۱ خرداد -

نظرات اخیرینی صدر - این سورژوا رفرمیست دورا ندیش که فکرمی کند جواب همه مسائل را آماده در آستین خود دارد - بوضوح ورشکستگی و درهم ریختگی همرا ه ملیا و سیاست های بورژواشی برای فاشی

- شمش بورژوازی لیبرال قوی است و خوب می دانند تا زمانی که به بحران موجود اقتصادی و سیاسی پایان نبخشد نخواهد توانست سلطه خود را در قدرت سیاسی تثبیت و تحکیم نماید.
- حدت بحران موجود و خواست انقلابی توده ها باعث شده که هیئت حاکمه با آنکه "خامت اوضاع" را درک می نماید ولی هر روزنا توانا تر از پیش در راهیک یک برنامه و سیاست کار ساز در پایان بخشیدن بحران موجود باشد.
- برای رژیم که ۸۰ درصد بودجه اش متکی به نفت می باشد، واردات کالا از خارج بمیزان ارزی که از این بابت دریافت می دارد امریست اجباری

آمدن سر بحران حاکم در جامعه نشان میدهد، ولی ما حمل صحبت ها می که در جلسه بحث قیمت اجناس انجام داد در نوشتن "روزها بررئیس جمهور چگونه میگذرد" منظور بیانی می کند:

"... بحث بهمان نتیجه انجام میدهد که بدفعات با مردم در میان گذاشته ام، مطلب ساده است، بودجه ما کسریا ددا رد، اگر ما بخوا هیم این بودجه را تماما خرج بکنیم قیمت ها بشدت بالایی رود و اگر خرج نکشیم بودجه را صرف نکنیم با دو مشکل روبرو هستیم، یکی افزایش بیکاری و یکی دیگر تورم و بنا بر این اگر بخوا هیم صرف نکنیم و برای جذب تورم، کم کردن افزایش قیمت ها، واردات بکنیم اولاش ما طول می کشد تا سفرات با بجا برسد تا بنا با وجود محاصره اقتصادی کار آسانی نیست. بنا بر این یک راه حل یک راه حل سیاسی است با این معنی که با بدجوی را درست کنیم که بتوانیم از معنویت اسلامی استفاده کنیم، در افزایش تولید و در اینکه مردم بکار و تلاش رغبت کنند. زیرا دکار کنند و کم مصرف کنند... و گرنه وضع اقتصادی بنیابتی مشکل خواهد بود... - انقلاب اسلامی - ۴ مرداد -

برای "در میان گذاشتن" این "مطلب ساده" با مردم "ضروری است تا گاهی به ارقام بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۵۹ ببینیم، تا معلوم گردد چگونه دولت انقلابی [ناگزیرا] است به "واردات" اما مدها ده، "بودجه را تماما خرج بکنند و نه تنها" بیکاری و یکی دیگر تورم "رشد بکنند بلکه قیمت اجناس نیز هر روز بالا - تر رفته و تولیدات صنعتی داخلی با زهم کاهش یابد دریک کلام، بحران موجود هر چه بیشتر حدت یافته و مرتباً به فقر و سیه روزی توده ها میفرزاید.

بودجه عمومی دولت در سال ۵۹ متجاوزاً ۲۸۰ میلیا رد تومان برآورد شده است. در این بودجه نفعت مهمترین منبع درآمد را تشکیل میدهد، بطوریکه تنها ۱۶۰ میلیا رد تومان یعنی ۵۰ درصد کل بودجه از طریق فروش نفت عاید دولت می شود، (یک حساب ساده نشان میدهد که برای تامین این مقدار درآمد، دولت

ناگزیرا هر روز بطور متوسط دو میلیا یون بشکافست با قیمت بشکای ۲۵ دلار به کشورهای خارجی بفروشد) ۷۷ میلیا رد تومان از طریق درآمد های عمومی یعنی مالیات و عوارض گمرکی و... و بقیه یعنی ۴۲ میلیا رد تومان نیز دولت کسری بودجه خواهد داشت، که دولت اسن کسری را با پیدای طریق فروش اوراق بهادار مثل قرضه ملی ویا با چاپ اسکناس های جدید تامین میکند، از آنجا که دولت از فروش نفت از خارجی متلا دلار را مارک ویا... دریافت می کند، ضروری است که این ارز را به نحوی به پول رایج در داخل کشور یعنی ریال

- تبدیل نماید، تا بتواند این پول را صرف امور جاری مملکتی و امور عمرانی بکند، نحوه عمل با این شکل است که خود دولت با درست داشتن این ارزها بخشی را خود اقدام به خرید کالا از خارج کشور نموده و بقیه ارز را در داخل به تجار می فروشد و متقابلا پول را بیج داخلی از آنها دریاقت میدارد، البته تجار نیز با وارد کردن کالا از بازارهای بین المللی ویا فروش آن در داخل علاوه بر پولی که به دولت پرداخته اند مقدسار در نیز سود بدست می آورند، بدین خود بدیده می شود که گردش تبدیل نفت به ارز را کسری دولت است و ترا در ا رد و تبدیل آن به پول رایج ایرانی که از اختیار دولت قرا می گیرد فقط از طریق خرید کالا از کشورهای خارجی امکان وجود پیدا می نماید، بنا بر این برای رژیم که ۸۰ درصد بودجه اش متکی به نفت می باشد واردات کالا از خارج بمیزان ارزی که از این بابت دریافت داشته امریست کاملاً اجباری، بزبان دیگر در جامعه ما، دولت حاکم میسازد آن نه تنها با بدینفت را به کشورهای خارجی بفروشد بلکه با بسد تجار را نیز به وارد نمودن کالا از خارج تشویق نماید تا دولت با بدست آوردن پول رایج داخلی هزینه دستگا های بوروکراسی و ماشین سرکوب خود را تامین نماید، هم اکنون بدلیل اختلالاتی که در فروش نفت بوجود آمده (اخبار ما در ات نفتی کشور محدودیت پیش بینی دولت در بودجه ۱۳۵۹ تقلیل یافته است) در نتیجه آن دولت با کسری بیش از حد بودجه روبرو می - با شد این کسری بودجه پیش بینی شده قبلی در حدود ۱۲۳ میلیا رد تومان یعنی متجاوزاً ۴۰ درصد از کل بودجه عمومی را تشکیل میدهد.

بنا بر این با توجه به گفته های بالا اثرات کاهش درآمد دولت از تقلیل فروش نفت برخلاف نظرات بتنی صدوخارج از اراده وی بوده و در شرایط فعلی ناگزیر مشکلات بزرگی را در اقتدا معکه حاصل سیاست های بورژواشی و ضد مردمی هیئت حاکمه نیز میباید، بشکل زیر برجا خواهد گذاشت:

اولا - ارزش و اذات کا لاهای مترقی و واسطه ای (در

بقیه در صفحه ۱۴

مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

نگاهی شتابزده به شعر انقلاب مشروطیت:

آینه زنده هنر بر اثر توفان انقلاب (۱)

هفتاد و چهار رسی سالگر انقلاب مشروطیت، رسیده است، کموسستپا همواره خاطر زنده مبارزات گذشته توده ها را، با یادآوری مبارزات انقلابی گذشته ما ریح بنگارها و تحولات پیوسته است برای بشری آنگاه نهد در راه مبارزه انقلابی آینده گرامی میدارد این مبارزات تا حال تلاش عظیم و سترگ طبقات تحسب ستمی است که با صراحت و جان نثاری، خواستهای طبقاتی خود را دنبال کرده است و در این ترتیب بخشی از تاریخ تکامل جامعه را با خود آستانده است تا بنا که با خون خود نوشته اند، از این برود در راه باطنی "هنرمنا و مت"، هنر پرولتری "استک سرری ادبیات دوران انقلاب مشروطه هر چند در قالب طرحی فترده، از مناسبت برخوردار خواهد بود، زیرا "هنر" از دیدگاه ما رکیسم - لنینیسم همواره بخش جدائی ناپذیر ما ربه طبقاتی و مبارزاتی خلاقانه در خدمت مبارزات با احساسی و معنوی زندگی و مبارزات طبقاتی بوده است، و این حیثیت بی تردید در خصوص هنر و ادبیات عهد انقلاب مشروطیت از صحت تام برخوردار است. هنر آن دوران، چونان آشیانه ای رنده برابری توان انقلاب به ثبت رسیده است، آشیانه ای تمام قامت که همه خصوصیات انقلاب، همه جوان و جنبش روی سونا بر او سیداری سخن آن از سوئی، همه ضعیفها و سنا همت با رخی ان را از سوی دستگرمی نما ناند، هری که در سطوح هم را نشان انقلاب با طنین خونخوشی که در سوئی رنگی منلرزید، انعکاس می یابد و هم صدای درناک سکت جمنر فدا مپربا لستنی و دیگران سیک توده ها.

اما ضرورت برخوردار به هنر انقلاب مشروطیت را صرفا در اس حیا رجوت تنگ بومیح دادن، تنه امینوا سد بنا نگریما ده کردن مسا ثل بیجده در خطه هر و نوعی نگرش محدود بینما رآنه، چو که پرولتاریا انقلابی جوا هان دست با من به مجموعه عتی مرنک بشری است البته به سئوبه روشنگرانی که عطشی سرری با پذیرسی کسب معرفت و فضا بل و شناخت کلی نسبت به هر چیز در خود احساس میکنند و سیکه بکجا نه انان برده، منجر به عنقی کور و جدا از مبارزه مشخص و واقعی طبقاتی به "دایین" میشود، پرولتاریائی که طسنگا میا بس چها رستون واقعی ذهنی را به لرزه می اندازد و بسوی ویرانگری نظم کهن و برپا کردن نظم نوین نه پیش می نازد، پرولتاریائی که تفصیر و تعبیر و به انجام رساندن اهداف مشخص و نوین، با زندگی و مبارزاتش گره خورده است، نمینوا ندونمیا خوا هد بگونسه آکا دمیسن های گوشه نشین به هنر گذشته برخوردار گند پرولتاریائی آگاه، از آثرونیاز به شناخت هنر دوران سپری شده، در اینجا هنر انقلاب مشروطیت - دار دکه میخا هد آن را بمانا به بخشی از مجموعه فرهنگ بشری در خدمت مقتضیات بیکار عظیم خود در آورد، پرولتاریائی آگاه برای دگرگونی آگاهانه جهان پیرا موش و همه بدیده های اجتماع گذشته و حال به ان برخوردار میکنند آن را می شناسد، جریا نیهای منفی و کینه را طسبرد می نما ید و جنبه های زنده و نوین را، خلاقانه در خدمت اهداف مبارزه انقلابی خود درمی آورد، آری پرولتاریا در ورته هنر هم نیاز به آفرینش هنری نو دارد، اما نه هنری خلق الساعه بلکه هنری که در ادا همه دستاورد های انقلابی ما لیکن با کیفیت جدیدی به عرصه می نهد

و این روایت که ضرورت برخوردار ما رکیسم - لنینیسمی به هنر دوران گذشته - و در اینجا هنر انقلاب مشروطیت - به عنوان یک ضرورت اساسی پیش روقرار سکیرد.

در واقع دیرگامی است که آموزشگران پرولتاریا این آموزش اصولی را بصورت جوشی از جنبه آگاهانه نهضت کارگری جمع بندی نموده و در ارتباط با آن طی مبارزه ای پیگیر، انحرافات گوناگون را به تنگ بست کشته و جریا ناتی را مغلوب و فنا کرده اند که تحت بیوش ایجاد یک هنر پرولتری "حاصل" خواهد شد و قطع پیوسته مکانیکی پرولتاریائی توجیهی خشک نگارنده

قبل از شروع بدون هیچ گفتگویی خواهان یک بررسی ماتریالیست دیا لکتیکی از هنر دوران انقلاب مشروطیت - همچون شما پدیددهای مادی و معنوی - هستیم. درک مارکسیستی در این زمینه بر این حقیقت به عنوان یک اصل عام و فلسفی با ی میفشرد که همه پدیددهای معنوی و کلا شعور اجتماعیه اعم از اشکال گوناگون آن چه در قالب شناخت حسی و یا شناخت علمی، با زتاب پدیددهای عینی و حیاتی مادی جا معداست. اما تا اینجا مسئله کلی تر از آن است که بتوان با این معیار در برابر ابددهای بورژوازی مرز بندی دقیق کرد. اینکه هنر همبستا به جلوه های از شعور اجتماعیه، با زتابی است از واقعیت اجتماعیه، اینکه ذوق هنری و نیاز زیسته آفرینش هنر، حاصل یک سلسله از ضروریات عینی است **تاما حقیقت نیست، ما تریا لیسما رخی در عین حال تا کید میکنند درست از آن زمان که ما معبه به طبقات**

"هنر" از دیدگاه ما رکیسم لنینیسم همواره بخش جدائی ناپذیر مبارزه طبقاتی و مبارزاتی خلاقانه در خدمت مبارزات با احساسی و معنوی زندگی و مبارزات طبقاتی بوده است. و این حقیقت بی تردید در خصوص هنر و ادبیات عهد انقلاب مشروطیت از صحت تام برخوردار است. هنر آن دوران، چونان آشیانه ای رنده برابری

گوناگون منقسم گشت، همه پدیددهای معنوی با نیازها و دوی طبقات مختلف اجتماعیه می مخرورد، یعنی آنکه در جوامع طبقاتی این محیط اجتماعیه مشخص است که محتوا و اشکال هنر را متروک میکند اما نه بمانا به نتایج کارآفرینی ارتباطی با هم، بلکه بمانا به فعالیت هنری عمومی از اعضای یک طبقه، که در عمده - برسی و اساسی برین جنبه های فعالیت خلاقانه ذهنی - اش در نقش با زنگوننده احساسات، روحیات و خواست های طبقاتی مشخص در دورانی مشخص ظاهر میشود.

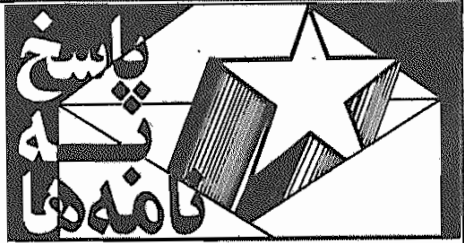
چنین اصل اساسی مارکسیستی است که با بسنه بررسی شتابزده ما از ادبیات مشروطیه با بدقترا رگیرد، مشروط بودن آفرینش هنری دوران انقلاب مشروطیت به محیط اجتماعیه خاص، تنها در این رابطه توضیح داده میشود که هنر تا سیرده ظاهر رنگ ترا بیط عیسی آن دوره را پذیرفته س بلکه مهمتر از آن مضامین نوع احساسات، مسا ثل و درگیریهای روحی و عاطفی خوا سنها و آرمانها و بیسن نهفته در این آثار همه و همه تنها تحت تاثیر شریعین کننده شرایط مادی و بیژنه آن زمان بوده و مهربان بیسنی طبقات مشخص و در عین حال نیازهای اجتماعیه آنان را برپیشانی داردا این همان اصلی است که تا کنون در اینجا اساسا با توجهی جدی به آن نشده است، و در انواع تقسیم بندیها شسی که از ادبیات دوران مشروطیه صورت پذیرفته و جنبه های آشکارا غیر علمی دارد - چون هنر تفننی، هنر غیر تفننی - کمتر نشانی از یک برخوردار طبقاتی دیده میشود.

همچنین با یادگفت با همه آنکه هنر بمانا به بخشی از شناخت بشری، مجرد از عینیات اجتماعیه نیست و نسبت به آن جنبه تبعی و ثانوی دارد، با این همه به عنوان یک پدیددهی معنوی بمانا بزا عینیات است و دارای پیرو سهر شد و تکامل خود ویژه است. فرضا با آنکه تکامل دانش بشری به نحو اجتماعیه با نا پذیرد از تکامل جامعه بشری تبعیت میکند لیکن در عین حال میتوان پیرو سهر تکامل علم را به نحو مستقل مورد مطالعه قرار داد و ویژگیهای آن را در مراحل مختلف رشد و تطور اشکار ساخت، به این ترتیب توجه به جنبه های ویژه اشکار ساخت هنر در دوران انقلاب مشروطیت بررسی و تغییر بقیه در صفحه



به هنر غیر پرولتری گذشته و جدائی محض از همه دستاورد های هنر سوده اند که طی تاریخ پر پیچ و خم تکامل بوجود آمده و آئینه تحولات روحی و عاطفی طبقات گوناگون بشما رمی آید، چنین مبارزه ای علیه انحرافات دگر شده و نشان دادن اهمیت بهره گیری و درس آموزی پرولتاریا از جنبه های انقلابی هنر گذشته، بویژه در دوران جنبش سوسیال دموکراسی روسیه و پس از انقلاب اکتبر به رهبری لنین کبیر، بنا به شیج تشویریک ارزنده ای بپا آورد که در آئینه به ان خواهیم برداخت و نتایج زیبایی شتا سنا هوز مینه فلسفی آنرا خوا هیم شگافت.

اکنون که ضرورت شناخت ادبیات گذشته در اساسی ترین وجه آن و طبعاً ضرورت شناخت هنر و ادبیات دوران انقلاب مشروطیه بمانا به یکی از زیر تلامذترین دوران هنرمین ما از زاویه مقتضیات ذهنی و آگاهانه سسه نهضت کارگری کموبیش آشکارا است، بهتر است توضیحی کوتاه به شیوه برخوردار و بررسی خود بینما شیم!



رفقا!

پس از باز زدن صفحه "پاسخ به نامه ها" بر تعداد نامه های رسیده افزوده شده است و ما بر طبق ضوابطی که قبلاً از آن سخن گفته ایم خود را ملزم به پاسخ گویی در مقابل آنها می بینیم. ولی هنوز بسیاری از نامه ها امضا و همچنین تاریخ ندارند که نشان دادن امضا ما را در پاسخگویی دچار اشکال میسازد. به همین لحاظ ما قادر به پاسخ آن نیستیم و با دیگران از رفقای ما می خواهیم که از هر طریق که می توانند نامه ها به ما بیاورند یا به دست ما برسانند و امضا و تاریخ نامه را فراموش نکنند (امضا با دوحرف فارسی مشخص شود)

در این هفته به برخی نامه های رسیده که با امضا بوده است پاسخ می دهیم:

رفیق D.B.C (دانش آموز) نامه انتقادی است رسیده موردی را که تذکره داده بودی که ملاحظه است ما کوشش می کنیم با شما هم سخن شریکانه داشته باشیم و نقیصه را بر طرف سازیم. (پس از این نامه ها بتان را با حروف فارسی امضا کنید، متشکریم)

رفیق (م.س) نامه ها را تسدیرا چه به تذکری که در مورد ایراد کردن هفته کی صفحه خوانندگان داده بودی، کوشش خواهیم کرد که این صفحه تعطیل نگردد. تنها مواردی هست که بدلیل حجم مطالب ضروری که نتواند در آن لطمه بیشتری به کارمان میندازد و بدلیل محدودیت صفحات نشریه ما اجباراً آنرا به هفته بعد موکول میکنیم در مورد اینکه چرا مطالب پیکار در دوپاره ریز شده است، در حالیکه پیکار درشت خواننده بیشتری دارد، ضمن تأکید حرف شما با ما در می شویم که اگر دقت کرده باشید، اپیکار از زمانی که حملات ارتجاعی رژیم بنیروهای انقلابی برای سرکوب و ایجاد محدودیت برای آنان، گسترش یافته دوپاره ریز شده است، چرا که از این زمان به بعد ما کتابچه های ما محدود گردیده است. ولی قبول میکنیم با این همه امکان درشت چاپ کردن مطالب وجود دارد و تلاش می کنیم با رفع اشکالات (عمدتاً تکنیکی) در اولین فرصت، تمام موابق حل بخشی از مطالب نشریه را درشت چاپ کنیم، بیروزی باشد!

رفیق م. اشکالی که از آن سخن گفته ای، یعنی دبیر رسیدن پیکار به دست خوانندگان کاملاً درست و متأسفانه اشکالی است عمومی، در حال حاضر ما در تلاش هستیم که این نقیصه را که لطمه جدی به اعتبار پیکار زنده و از نا شایان کاسته است بر طرف کنیم، این اشکال گرچه آساناً تکنیکی بوده و با فشارهای ارتجاع و ایجاد محدودیت های فراوان برای نشریات انقلابی و کمونیستی رابطه دارد، ولی به نوع برخورد ما به این مشکل نیز انتقاداتی وارد است، با این همه باید واریم که این اشکالات، شما را از تلاشهای پیگیرانه و انقلابی تان برای فروش و بردن نشریه به میان توده ها باز نماند. موفق باشید!

رفیق م. نامه ای که در باره اهمیت بررسی مشخص سرما به داری و وابسته نوشته بودی رسید، همانطور که نوشته ای بررسی اینگونه مسائل اهمیت بسیاری دارد و ما زمان نیز در حد خود تلاش میکنیم به این مسائل برخورد بیشتری نمایم و در این رابطه نیروی لازم را از زمان بدهد، بیروزی باشد!

نامه یک سرپا و وظیفه

رفیق سرپا وظیفه ای نامه کوتاهی برای ما فرستاده که در آن به مستشوی مغزی سرپا زان، درجه - داران و... توسط سازمان سیاسی - ایدئولوژیک و برخی دیگران مسائل ارتش اشاره کرده است که قسمت ها شایان را میخوانند:

"... من یک سرپا وظیفه مفرهستم، هوادار سازمان پیکار و مبلغ نا چیزی که حقوق یک ماه من است برای شما میفرستم به امید پیروزی در راه ما بودی نظیر شما سرما به داری! ... خواهستم این را بگویم... رفق در این ارتش... همین فرمائید که دست بوس و ذکر شاه (میگفتند) ... (امروز) ۱۰۰۰ سلامی (شده) و از اسلام دفاع میکنند. (آنها) میگویند از دستید کتک با بخوابید ولی کتابها را که ما به شما بدیم حق هیچ گونه بحث و یاد و مردم جمع شدن، مطالعه نشریات... را ندارند... (در صورت تخلف!) نامه ای مینویسند برای ما زمان سیاسی - ایدئولوژیک... (طبق قانون خودشان عمل میکنند) در هفته کلاسهای سیاسی - ایدئولوژیک برای سرپا زان و درجه داران (میگذاردند) و هر چه که خود میخواهند میگویند..."

رفیق سرپا وظیفه شما میخواستیم که با زهم برای ما نامه بفرستید و ما را در جریان مسائل درونی ارتش بگذارید (امضا مستشوارنا مهرا فراموش نکنید) موفق باشید!

اشعار ارسالی رفق:

پس از گذشتن شدن صفحه "هنرمقاومت و هنرپرورش" هر هفته تعدادی از اشعار که رفق (خواهندگان پیکار) سروده اند به ما میرسد. ما برخی از این اشعار را در شماره های گذشته پیکار آورده ایم و در نظر داریم که در مجموعه شعری که در برگیرنده اشعار خوانندگان پیکار است آنها را چاپ کنیم. این مجموعه دومین مجموعه شعری است که از طرف سازمان منتشر خواهد شد. مجموعه اول تحت عنوان "پیکارگران پای در زنجیر" سروده رفیق سرتوک، بمناسبت اول ماه منتشر شد.

اشعار رفق: شفق، حسن، ت. کا رگر، ج. س. کا رگر، ب. ن. کا رگر، رفیق کا رگر، ت. تبریز، رفیق مال کیلان، رفیق ف. معلم، رفیق هیوا - تبریز رفیق مهری حیدرزاده، رفیق ک. رفیق کارگر - خروشان و اشعاری دیگر بدون امضا رسیده است، از رفق میخواستیم که آنها را دیگر خود را نیز با خط خوب، همراه با تاریخ و احیاناً مناسبتی که موجب سرودن یا نوشتن آن شده و با امضای مستعار برای پیکار بفرستند و ما رفقایی که در زمینه های دیگر هنری نظیر نمایشنامه نویسی، داستان کوتاه، طنز، کاریکاتور، عکاسی و... کار کرده اند آنها را خود را برای ما بفرستند. در پایان اشعار می گنیم که برخی از اشعار رسیده از لحاظ محتوا یا شکل هنری آن ضعیف است و اگرچاپ

بقیه از صفحه ۱۲

تداوم ...

شرایطی که صورت گرفت کاملاً در وضع فعلی باقی بماند. محدودیت صرفی که در سال پیش بود تقلیل خواهد یافت. این امر با توجه به اینکه هم اکنون حدود ۷۰ درصد مواد اولیه کارخانجات صنعتی از خارج وارد میشود از یک طرف و رکود کارخانه تولیدات صنعتی داخلی را بیشتر از آن زده و از طرف دیگر بیعت کم شدن عرضه کالا در بازار و قیمت اجناس با زهم گرانتر خواهد شد. و همچنین رکود تولیدات صنعتی نرخ رشد بیکاری را با زهم بیشتر خواهد کرد.

ثانیا - در شرایط فعلی امکان کاهش هزینه های دولتی برای رژیم موجود نمی باشد. (بنا بر این دولت ناگزیر است اقدام به چاپ اسکناسهای جدید، حداقل برای برابری کسری بودجه فعلی بنماید. وجود بیش از ۱۰۰ میلیارد در دایره گردش در شرایط فعلی (مطابق آمار بانک مرکزی) نقدینگی در آخر سال ۵۷ دو برابر سال پیش بود) و از آن جهت با زهم بیشتر پول در بازار از طریق چاپ اسکناسهای جدید و با توجه به تقلیل عرضه کالا در بازار، تورم پولی و بحران موجود با زهم حادث خواهد شد. با این ترتیب درآمدهای آینده با دیدن منظر حسرت باری با زهم بیشتر بحران موجود یعنی با لافتن قیمت اجناس، تورم پولی، بیکاری و رکود اقتصادی، بود. مجموعه این مسائل بطور اجتناب ناپذیری در رابطه با سیاستهای بورژوازی و ضد مردمی هیئت حاکمه بوده و در آینده وضع اقتصادی بنهایت مشکلی را بوجود خواهد آورد.

(*) - رژیم از مجموع ۲۸۰ میلیارد تومان بودجه عمومی، رقم ۱۸۰ میلیارد تومان یعنی ۲/۳ آنرا صرفاً مورجاری دولت یعنی صرف نگهداری و بازسازی ماشین غسول بیکرد و بقیه (بوروکراسی، ارتش، ارگانهای جدید و...) می نماید. با وجودیکه دولت با "پاکسازی" ادارات و ارتش و... می تواند صرفه جویی های در این مورد بنمایند ولی از طرف دیگر با هزینه های که در بسیاری از نظامی این در کردستان و گسترده تر نمودن ارگانهای جدید مثل سپاه پاسداران، جها دو... می نماید هرگز قادر نیست هزینه مربوط به مورجاری را کاهش دهد. بقیه بودجه نیز صرفاً مورعراتی میگردد، که هرگونه تغییر در این رقم افزایش بیکاری را بدنبال خواهد داشت.

نشده دلیل بی توجهی بدان نیست، در آینده کوشش خواهیم کرد رهنمودهای نیز به رفقایی که چنین اشعاری را فرستاده اند بدهیم. در انتظار شما رکت هنری فعال رفق در خدمت به انقلاب و طبقه کارگر، دستتان را می - فشاریم.

رفقا از هر طریق که میتوانید برایمان نامه بفرستید، تاریخ و امضای مستعار نامه هایتان را فراموش نکنید!
به امید پیروزی راهمان!

بیدادگری "دادگاه های انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است

بقیه از صفحه ۹ مصاحبه ...

کلیه درس‌های پایه‌ای؛ ادبیات عرب، منطق و اصول و فقها خواننده‌ام (که فعلا البته برایم مهم نیست و هیچ افتخاری هم ندارد). علاوه بر این دروس رسمی، تفسیر المیزان دروس‌های اصول عقایدنا صرما کم و تفسیرهای سیدرضا صدرو نیز دروس‌های تفسیر آیت‌الله طالقانی در مسجدهادایت را که بعدها در کتاب "بیتوی از قرآن" منتشر شد. "دولایه‌نا" فرا گرفته‌ام. این بود که آنها حرفی در برابر من ندا شدند. بعد مطالعات خاصه ایدئولوژیک سجا هدین را تا بن خواننده و اطلاع دارم. این نکات را (هرچند جزئی و چه بسا غیر قابل ذکر است) از این لحاظ گفتم که "ایدئولوژی‌ها" جمهوری اسلامی همان حرفی‌های ۲۵-۳۰ سال پیش را که در کمپنی و بیوسیدگی همتاشی ندارد امروز در مطبوعات و رادیو تلویزیون بعنوان حرفی‌های جدید و ناب و "علمی" بگوش جوانان سینه‌ها فرومی‌کنند! بگذرم.

من پس از آشنائی کامل بازیده‌ترین سخنانی گذردم. بارها سلام زده میشد و عمل جدا نه‌بر اساس آن برداشته و در کوران چندین سال مبارزه انقلابی با رژیم خونیخواه شاه، مارکسیسم را پذیرفتم. تا کنون می‌کنم که قبول مارکسیسم از طرف امثال من نهاد زسبی اطلاعاتی از ایدئولوژی اسلامی بلکه دقیقا بخاطر اطلاع از آن بود. آقای منتظری و امثال او برای راضی کردن خود و تحقیق مردم چه تفسیری از کارها من (و هم‌زمانم که برخی از آنها استاد من بودند) می‌توانند ارائه دهند جزیک دروغ هیئت‌تری! جزیک دروغ ردیلانه! از نوعی که نقل کردید و این حرفه همیشه ارتجاع علیه کمونیست‌هاست. آقای محمد منتظری، موضع طبقاتی‌اش بسا واجازه نمی‌دهد که کند که رسیدن ما به حقیقت جهان شمول مارکسیسم لنینیسم که تنها ایدئولوژی راه‌حالی طبقه کارگر در راه نابودی سرمایه‌داری و بنیان‌گذاری عصر تاریخی جدیدی در حیات انسانها - یعنی سوسیالیسم است - ناشی از امت گیری انقلابی ما بسوی کارگران و زحمتکشان و در مبارزه علیه امپریالیسم است. او و همپالکی‌ها این جهان را - علیرغم جفا نماز آب کشیدن - هایشان در "حور و غلمان" خلاصه می‌کنند. در "بهشت" شان هم بدنبال همین چیزها هستند. عقده‌های سالیان‌شان به آنها اجازت نمی‌دهد که چیزی جز این ببینند. آنها می‌کند و بمن زده آنقدر بربت، دروغ، وقیحا نه‌ورده‌یلانسه است که فقط آنرا از یک فدا انقلابی تمام عیار، رازکسی

(۱) - در خاشاکا فاهه منکم که قبل از آیت‌الله خمینی، آیت‌الله مطهری در سال ۴۴ به ستایش ما پرداخته بود درست یا دهمست جزوه‌ای تهیه کرده بودم راجع به روش مطالعه قرآن و آنرا با مجاهد شهید سعید محسن بنی مطهری بردیم (خاندانش هنوز در کوه دره رخیا با نری بود) مطهری چنان شاد بود و آنرا "امیدوارکننده" یافت که بارها احسنت، احسنت گفت، او مرا از قبل میشناخت. در سخنرانی‌هایش (که جاب هم شده) از نعمت مستجاب تجلیل کرده بود و یادش بود که یکی از کتابهایش (علل گرایش به مادیگری) را من ادب و آوازه جاب کرده‌ام و بارها بحثها و اشکالات عقیدتی اسلامی را در مدرسه مروی با او مطرح نموده بودم. در اینجا از ذکر خبر خوردن‌ها می‌گذردم و دیگر هم سطح او را ستادم صرف نظر می‌کنم.

رژیم جمهوری اسلامی، چگونه از زحمتکشان «حمایت» میکند!



اواسط فروردین ماه، حدود ۱۴ خانواده زحمتکش توسط حسین بکاکی، یکی از نمایندگان خرونا هسی (سرپرست بنیاد مسکن) از خوابه‌های جنوب شهر در آپارتمان چند طبقه‌ای که در خیابان حافظ قرار دارد اسکان داده شدند. این ساختمان بیکی از سرمایه‌داران فراری بنام "اشرفی" تعلق داشته و در ضمن فردی بنام (موسوی) در آن سهم است. این فرد موفق میشود با رشتی یا زی و... حکم تخلیه آنرا از بیت‌الله خرو - شاهی بگیرد. بر اساس حکم مذکور سرمایه‌داران سرمایه روز بیستم مرداد ما با زور و بطرز وحشیانه‌ای ساختمان زحمتکش آنرا بیرون ریختند، و نمونه‌ای دیگر از "خما بیت" رژیم از مستضعفین رانها بشی گذاشتند. رژیم جمهوری اسلامی که بیش از ۱۷ ماه است در بوقهای تبلیغاتیش دم از حمایت از زحمتکشان و با بوق خودش مستضعفین میزند، هر جا که دستش رسیده در حمایت از سرمایه زحمتکشان را سرکوب کرده است. عکس زیر یکی از این خانواده‌ها را در حالیکه مستاصل نشسته‌اند، نشان میدهد!

که دقیقا در صف مقابل کارگران و زحمتکشان قرار دارد می‌توان شنید.

سرمایه‌داران و خرده بورژواهای عقب مانده، در مبارزه با کمونیستها و طبقه کارگر آنقدر بیجا راه ندکده به چنین رسماً نه‌ای بیوسیده‌ای جنگ میزنند. آقای منتظری و همپالکیهایش که جتا در "دما ثلاثه" (خونهای سه‌گانه حیض و نفاس و استحاضه) و وصال "حور و غلمان" را از زوومنتهای آما ل خود میداندند جز گفتن این مزخرفات چه چاره؟! آیا این احما نه نیست که یک فرد مبارزین از با ن زده سال مبارزه بی‌امان، در سال ۵۴، سفیر ایدئولوژی خود و نیل به حقیقت مارکسیسم لنینیسم را آنطور که این شیخ بیشرمانه می‌گوید توجه کند؟! انقلابیون و کمونیستها در بین مردم نور آگاهی می‌افشاند و این برای ارتجاع بدترین ضربه است و بهمین دلیل است که چون سگ‌ها رجان این نیروها می‌افتند.

(قسمت آخر ما خبر در شماره بعد می‌خوانید)

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۹۵۰۰	ز	۲۲۰۰	ک	۵۵۰۰
"	۲۱۹۰	"	۲۲۲۰	"	۲۲۰۰
"	۹۵۰۰	"		"	۱۰۰۰۰
ب	۸۲۰۰	ث	۲۷۰۰	گ	۱۱۸۰۰
"		"	۶۸۰۰	"	۳۰۹۰
پ	۹۴۰۰	ص	۲۰۲۸۰۰		
چ	۱۴۴۰۰	ط	۳۰۰۰	م	۱۰۰۰۰
"	۹۵۰۰	"		"	۶۲۰۰
"		"		"	۷۶۱۰
ح	۱۲۵۵۰	ع	۶۱۰۰	"	۱۲۳۰۰
"		"	۲۵۰۰	"	۲۴۰۰
"		"	۶۰۰۰	"	۴۴۱۰
خ	۱۴۹۰۰	"	۲۶۰۰	"	۱۰۰۰۰
"	۳۰۰۰	"	۹۰۰۰	"	۴۰۰۰
"		"	۱۰۰۰۰	"	
د	۲۲۲۰۰	ف	۱۶۰۰۰	ن	۱۲۸۰۰
"	۱۰۴۰۰	غ	۱۲۷۰۰	"	۱۲۷۰۰
"		"		"	۳۳۰۰
"	۱۹۴۰۰	ق	۱۶۰۰۰	"	
"		"	۳۲۳۰	ش	۱۸۰۰۰
"		"	۱۲۰۰۰۰	"	
ر	۱۸۲۰۰	ک	۳۵۰۰	ک	۳۱۰۰

- ۱ - رفیق کارگر هوادار سازمان ازبکستان مبلغ ۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۲ - رفیق کارگر (ارمنی) مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت کردید.
- ۳ - رفقای بیگ زحمتکشان جوادیه! مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۴ - رفقای هوادار سازمان در بیل سیمان و دولت آباد! مبلغ ۶۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردید.
- ۵ - رفیق (ی) کارگر شهر داری! مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۶ - رفیق (ش) را ننده از تبریز، مبلغ ۱۸۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت کردید.
- ۷ - رفیق (ح - ش) را ننده تا کسی! هدیه ات رسید.
- ۸ - رفیق قارداش! هدیه بسیار ارزنده ات همراه با مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال رسید.
- ۹ - رفقای هوادار سازمان در مشهد! مبلغ ۱۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردید.
- ۱۰ - رفقای دانشجوی هوادار سازمان در مشهد! مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.

رفقا، دوستان!
چنانچه کمکهای مالی شما پس از گذشت چها هفته در پیکار جاب نشد، حتما درآین مورد تذکر دهید.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

